ماهنامهٔ
مردم
ارگان مرکزی حزب تودهٔ ایران

انقلاب کبیر سوسیالیستی اکتبر — تحول بنیادی در سیاست جهانی

با پیروزی انقلاب اکتبر دوران نوینی در سیاست بین المللی آغاز شد. دولت سوسیالیستی شوروی بر پایه تئوری مارکسیسم-لنینیسم اصول جدیدی را در زمینه سیاست خارجی مطرح ساخت که مبین آمال توده های زحمتکش برای عدالت اجتماعی و برای پایان دادن بجنگهای امپریالیستی و زورگوئی بود. افشاء بیرحمانه سیاست تزاریسم و بوژوازی روسیه، افشاء ماهیت امپریالیسم و ماهیت غارتگرانه جنگهای امپریالیستی، افشاء دیپلماسی مزورانهٔ دولتهای سرمایه داری، پشتیبانی از صلح دموکراتیک و عادلانه، مخالفت با الحاق اراضی دیگران و با غرامات جنگی، اعلام اصل برابری و حق حاکمیت همه ملتها که در نخستین سند دولت نوزاد شوروی مطرح گردید حاکی از آن بود که در مقابل امپریالیسم یك نیروی نوین انقلابی در سیاست جهان پدید آمده است.

با استقرار دولت سوسیالیستی شوروی تضاد

بقیه در صفحه ۶

پیام کمیته مرکزی حزب توده ایران

بمناسبت اول ماه مه — جشن همبستگی جهانی کارگران

کارگران و زحمتکشان ایران!
خواهران و برادران عزیز!

کمیته مرکزی حزب توده ایران جشن اول ماه مه، جشن همبستگی کارگران و رژه پرشکوه نیروی پرتوان کارگری جهان‌را ازصمیم قلب بهمه شما شادباش میگوید و برای شما کامیابی در کار و مبارزه را آرزومند است.

طبقهٔ کارگر ایران همیشه در تاریخ اخیر کشور ما نقش مترقی و مؤثری داشته است و این نقش در آینده ازگذشته نیز بیشتر خواهد شد زیرا طبقه کارگر ایران از جهت کمی و کیفی درحال رشد دائمی است. کارگران ایران دارای سنت‌ها و تجارب طولانی مبارزه در راه صلح و ترقی علیه استعمار و ارتجاع بسود حقوق حقه خود، بسود رهائی اجتماعی از قیودورسوم کهنه و قرون و سطائی وپیدایش ایرانی آزاد و آباد هستند. رژیم موجود میکوشد بضرب عوامفریبیهای کارگری و بکمك دستگاه دوزخی سازمان امنیت کارگران ایران را از این سنت انقلابی دور سازد و آنها را بـه افزار سیاسی خویش مبدل گرداند. ولی این خیال باطلی است. کارگران ایران همیشه ثابت کرده‌اند که شم طبقاتی در آنها قوی وشور مبارزه در آنها نیرومند است و به تشخیص دوست از دشمن، راه از چاه قادرند. زیرا عناصر پیشرو طبقه کارگر ایران مکتب بزرگ حزب توده ایران وسازمانهای توده‌ای، مکتب شورای متحده مرکزی و سازمانهای سندیکائی واقعی را گذرانده‌اند، و مبارزات دامنه‌دار طبقه کارگر جهان و دستاورد های جنبش انقلابی کارگری و کامیابیهای حیرت‌انگیز کشور های سوسیالیستی را که در آن حاکمیت کارگری پیروز شده است بچشم می‌بینند. تردیدی نیست که آینده متعلق بکارگران ایران است. ولی پیروزی بخودی خود و بآسانی بکف نمی‌آید. بدون مبارزه پیروزی نیست. باید علیرغم مشکلات فراوانی که رژیم ضد ملی وضد دموکراتیك واستبداد سلطنتی ایجاد کرده‌اند با در آمیختن حزم و جسارت، باداشتن روش سیاسی سنجیده و واقع بینانه ولی انقلابی و سرسخت درراه صلح، استقلال، دموکراسی، ترقی ورفاه عمومی مبارزه کرد وشعله پیکار را نه‌فقط فروزان نگاهداشت بلکه دمبدم شعله‌ورتر ساخت

کارگران و زحمتکشان ایران!

یکی از وظائف مقدس طبقه کارگر و کلیه زحمتکشان درشرایط کنونی افشاء تجاوز بلیدامپریالیسم امریکا به ویتنام و پشتیبانی از نبرد عادلانه و مقدس این خلق دلاور است. شکست امپریالیسم امریکا در ویتنام شکست مرتجع ترین و هار ترین و متجاوز ترین بخش سرمایه داری جهانی است و منجر به تقویت بیش

بقیه در صفحه ۶

پیرامون توسعه روابط اقتصادی ایران با کشورهای سوسیالیستی

بهبود مناسبات ایران و شوروی که حزب توده ایران از دیر زمان مدافع پیگیر و سرسخت آن بوده هم اکنون نخستین نتایج خود را ببار آورده است. تا کنون میان دو کشور قراردادهای اقتصادی و فنی مهمی بسته شده است. این قراردادها شامل احداث سد و کارخانه های برق در رودخانه های سرخدی، ایجاد کارخانه بزرگ ذوب آهن در اصفهان، احداث کارخانه های ماشین سازی، ساختمان سیلو در چندین شهر ایران بظرفیت ۳۰۰ هزار تن، صدور گاز ازایران به اتحاد شوروی که اخیرا قرارداد آن از ۱۰ میلیارد متر مکعب در سال به ۲۰ میلیارد متر مکعب افزایش یافته، آمادگی اتحاد شوروی برای خرید نفت ایران بهر میزانی که ایران امکان تحویل آنرا داشته باشد و یکسلسله قرارداد های دیگر است. درجریان مسافرت اخیر بایباکف معاون وزیر بازرگانی اتحاد شوروی بایران مسئله شرکت اتحاد شوروی در اکتشاف و استخراج نفت در مناطق «آزاد» ایران بررسی شد و مذاکرات مقدماتی درباره آن صورت گرفت و قرار شد پیشنهاد های مشخصی در این زمینه تنظیم شود و برای عملی ساختن آنها اقدام گردد. اتحاد شوروی آمادگی‌خودرا برای کمك‌به‌تنظیم واجرای طرحهای‌برنامه های عمرانی وصنعتی پنجساله چهارم اعلام کرده است.

یك میلیارد دلار اعتبار وسالی ۵۰۰ میلیون دلار مبادله بازرگانی

بدینسان‌دامنه همکاری اقتصادی وروابط بازرگانی میان ایران و شوروی گرایش آشکاری در جهت رشد روز افزون از خود نشان‌میدهد. ارزش‌اعتباراتی که دولت اتحاد شوروی برای احداث مؤسسات صنعتی و کمك به برنامه های عمرانی در اختیار دولت ایران گذارده هم اکنون تقریبا به یك میلیارد دلار رسیده است. حجم مبادلات بازرگانی میان دو کشور در موافقتنامه ای که اخیرا برای مدت پنجسال بامضاء رسیده ۵۴۰ میلیون‌دلار معین شده‌است ولی پاتولیچف وزیر بازرگانی اتحاد شوروی ضمن مصاحبه با نمایندگان

بقیه در صفحه ۲

روشی که به زیان جنبش دانشجویان ایرانی است

چنانکه خوانندگان گرامی و بویژه دانشجویان اطلاع دارند طبق موافقتنامه‌ای که بین نمایندگان سازمان دانشجویان دانشگاه تهران و کنفدراسیون (پراگ - ۱۴ نوامبر ۱۹۶۶) به امضا رسید نهمین کنگره اتحادیه بین المللی دانشجویان (اولان باتور ۲۶ مارس - ۸ آوریل) میبایست مسئله عضویت کنفدراسیون را در اتحادیه بین المللی دانشجویان بر اساس این موافقتنامه حل کند و حل کرد. ولی روشی که‌هیئت نمایندگی کنفدراسیون در پیش گرفت و عواقب نا مطلوبی که این روش ببار آورد، و اگر این روش ادامه‌یابد در آینده بیشتر ببار خواهد آورد، ما را بر آن میدارد که بنا بر وظیفه‌ای که داریم به همه دانشجویان و بویژه فعالین جنبش دانشجویان‌ایرانی بار دیگر هشدار دهیم‌و ازآنها بطلبیم که با خونسردی و واقع بینی این جریان را بررسی کنند و نگذارند جنبش دانشجویان ایرانی بتدریج از مسیر دمکراتیك و مترقی خود خارج شود و آگاهانه یا ناآگاهانه و خواه و ناخواه به کورد راه بیفتد.

واقعه‌تأسف آوراز آنجاشروع شد که‌نمایندگان کنفدراسیون به تذکرات دوستانه نمایندگان

بقیه در صفحه ۷

بمناسبت نهمین سالگرد رفیق شهید خسرو روزبه عضو کمیته مرکزی حزب توده ایران

از خسرو روزبه طریقه جانبازی و وفاداری به آرمان خویش را بیاموزیم. بگذار چهره پرفروغ وی خلق ما را در پیکار مقدسش الهام بخشد.

«از مقدمه بر دفاعیه خسرو روزبه»

کودتای مونارکو فاشیستی در یونان

سحرگاهان ۲۱ آوریل بار دیگر سایه مرگبار ترور، حبس و تبعید برکشور باستانی یونان گسترده شد و سکوت اختناق‌آور کودتای مونارکو فاشیستی همراه با آهنگ نفرت انگیز رگبار مسلسلها بسرملت یونان مستولی گردید. هنگامیکه زره‌پوش‌ها وتانکها شهر و مراکز حساس آتن را محاصره کردند، ارتباط یونان با جهان بریده شد و سپس شکار انسانها آغاز گردید. مانولیس گله‌زوس قهرمانیکه هنگام تسلط فاشیسم هیتلری بریونان، پرچم فاشیسم را دلیرانه از بالای آکروپول پائین کشید و درهم پیچید، یکی از هزاران نفر کسانی است که بجرم آزادیخواهی و استقلال طلبی باز داشت و برای سومین بار در دادگاه های نظامی بمرگ محکوم گردیده است. بار اول هیتلریها، بار دوم فاشیستهای یونان واینك کودتاچیان او را بمرگ تهدید میکنند. از سال ۱۹۴۸ تا سال ۱۹۵۴ زندانی بود وپس‌از رهائی درسال ۱۹۵۹ مجدداً زندانی گردید و بااینکه ازطرف مردم آتن به وکالت انتخاب شد تا سال ۱۹۶۲ درزندان ماند و اینك خطر مرگ بربالای سرش دور میزند. طبق‌اخبار خبرگذاریهای امریکائی در چهار روز اول کودتا بیش از ۸۰۰۰ هزار نفر توقیف شده‌اند وفهرست اسامی سه هزار نفر دیگر در دست پلیس است که آنها را جستجو میکنند.

خبرگذاری یونایتدپرس اطلاع داد که ۵۰۰ نفر را از بندر «پیره»، باکشتی به جزیره «یورا»، که سابقا اردوگاه زندانیان حکومت دیکتاتوری متاکزاس بود روانه کرده، جزیره غیر مسکون «گاوروس» را از صدها نفر عناصر دموکرات پرنموده و میدان فوتبال و اسب دوانی آتن را بعنوان باز داشت گاه موقت از آزادیخواهان انباشته‌اند. دویست نفر از نمایندگان پارلمان متعلق به حزب «متحده مرکزی» و حزب متحد دموکرات چپ که ازعناصر مترقی و کمونیستها تشکیل میشود و چند نفر هم از حزب دولتی راست (این چند نفر را آزاد کرده‌اند) و گروه زیادی از شهرداران و سازمان های اداری محلی، عده‌ای از زنان از جمله آنها «آناسالومو» دبیر اتحادیه قربانیان فاشیسم با بچه ٤ ساله‌اش و عده کثیری از نویسندگان، هنرمندان و پارتیزانهای ضد فاشیست در دوران اشغال یونان و همچنین پاپاندرئو رهبر حزب «متحده مرکزی» و نخست وزیر اسبق که شخصیت ملی دارد، جزء بازداشت شدگانند. در یك کلام تمام عناصر مترقی صرفنظر ازعقاید خاص سیاسی آنها هدف حمله ارتجاع، دربار و حامی و الهام دهنده آنها امپریالیسم امریکا قرارگرفته‌اند طبق آخرین اخبار تعداد بازداشت‌شدگان به ۱۵ هزار نفر رسیده است.

ماهیت کودتا

بطوریکه معلوم است در سال ۱۹۶٤ حزب ارتجاعی دست راست در جریان انتخابات شکست خورد و اکثریت مطلق خودرا در پارلمان از دست داد و حزب متحده مرکزی برهبری پاپاندرئو با پشتیبانی حزب متحدچپ موفقیت‌بهتری بدست آورد. این‌پیروزی

بقیه در صفحه ۷

بقیه از صفحه ۱

توسعه روابط اقتصادی ایران با کشور های سوسیالیستی

مطبوعات ایران گفت : « حجم مبادلات ایران وشوروی خیلی بیش از میزانی است که در موافقتنامه پیش بینی شده است ، زیرا براساس قرارداد های دیگری که در دست انعقاد داریم ویااحتمالا منعقد خواهد شد مبادلات جدیدی بین دو کشور برقرار میشود که احتمالا تا چند سال دیگر میزان مبادلات به ۵۰۰ میلیون دلار درسال خواهد رسید» (اطلاعات ۱۳ اسفند ۱۳۴۵). مطبوعات کشور ضمن ارزیابی موافقتنامه بازرگانی ایران وشوروی نوشتند که این موافقتنامه از نظر حجم مبادلات تجاری بزرگترین موافقتنامه ایست که تاکنون ایران با یك کشور خارجی امضاء کرده است . این موافقتنامه از نظر استرو کتور و ترکیب کالا های صادراتی ایران در نوع خود بیسابقه است زیرا بموجب این موافقتنامه بیش از یك سوم کالا های صادراتی ایران کالا های صنعتی ساخت ایران است که ارزش آنها تقریبا به‌صد میلیون دلار میرسد .

توسعه روابط اقتصادی با سایر کشور های سوسیالیستی

علاوه براتحاد شوروی سایر کشورهای سوسیالیستی نیز بیك سلسله قرارداد های اقتصادی و بازرگانی مهم‌بایران منعقدساخته‌اند. چکوسلواکی ، لهستان ، بلغارستان ، مجارستان ، رومانی و یوگوسلاوی هر یك اعتباری معادل دهها میلیون دلار بایران داده‌اند که از محل آن ایران میتواند انواع کارخانه‌ها و ماشینها و تجهیزات صنعتی وارد کند و بهای آنها را با تحویل نفت و کالا هـای صنعتی و کشاورزی خـود بپردازد . بدینسان کشور های سوسیالیستی براساس پایاپای یعنی بدون دریافت یك دلار ارز به‌امر صنعتی کردن ایران کمکهای مؤثر میکنند و در عین حال برای کالا های صادراتی ایران بازار مطمئن و بسیار پرصرفه ای عرضه میدارند که استفاده ازآن بنوبه خود رشد تولید داخلی ایران را تسریع میکند .

توسعه همکاری اقتصادی و بسط روابط بازرگانی با کشورهای سوسیالیستی و دردرجه اول بااتحاد شوروی همسایه بزرگ شمالی ما علاوه برتسریع رشد اقتصادی و تسریع اجرای برنامه های عمرانی ـ کشف منابع جدید ثروت را نیز در پی دارد .

مثلا در صورت عملی شدن شرکت کارشناسان شوروی در اکتشاف واستخراج نفت ومعدنیات دیگری که بحد کافی درایران وجود دارد منابع ثروت جدیدی مـورد بهره برداری قـرار خواهد گرفت کـه از نظر ارزش و اهمیت بامنابع نفت جنوب و ۵۰۰ میلیون دلار عوائدی که کنسرسیوم غارتگر نفت بایران‌میپردازد قابل قیاس نخواهد بود .

توسعه روابط، و محافل امپریالیستی

افزایش‌حجم مبادلات بازرگانی و توسعه همکاری اقتصادی ایران بـا اتحاد شوروی وسایر کشور های سوسیالیستی و بخصوص آمادگی این کشورها برای خرید نفت خام ازایران واز انهم مهمتر آمادگی اتحاد شوروی برای شرکت در اکتشاف و استخراج نفت طبعاً نمیتواند در محافل امپریالیستی و نفتخواران جهانی بی‌تأثیر باشد زیرا توسعه روابط اقتصادی ایران با کشور های سوسیالیستی ناگزیر به تسلط امپریالیسم و انحصارات امپریالیستی در اقتصاد ایران لطمه میزند وازشدت نفوذ انحصاری کشورهای امپریالیستی میکاهد. هر اندازه که حجم روابط اقتصادی ایران با کشورهای سوسیالیستی بیشتر شود از لحاظ نسبی در اقتصاد ایران سهم کمتر و میدان کمتری برای فعال مایشائی وتسلط اقتصادی انحصارات امپریالیستی باقی میماند . باادامه افزایش حجم این روابط امکان مبارزه و مقابله اقتصادی ایران با این انحصارات بیشتر میشود و تغییرات کمی در این زمینه ناگزیر امکان پیدایش تغییرات کیفی را افزایش میدهد .

این مطلب را دول امپریالیستی و در درجه اول دولت امریکا بخوبی درك میکنند . مطبوعات رسمی ایران بعلل مختلف و با انگیزه های گوناگون به « نگرانی » محافل امپریالیستی استناد می کنند . مثلا مجله روشنفکر ضمن اشاره باین مطلب مینویسد :

« مقامات واشنگتن پس از عقد قراردادهای اخیر ایران و شوروی وبخصوص عقد قرارداد خرید اسلحه بهیچوجه قادر به مخفی کردن ناراحتی خود از این قراردادها نیستند . مطبوعات امریکا ... هنگامیکه که پاتولیچف وزیر بازرگانی خارجی شوروی در تهران اقامت داشت همه حواس و توجه خود را معطوف به مذاکرات او با مقامات ایرانی کرده بودند » .

روزنامه کیهان نیز به‌شیوه خود « نگرانی » محافل واشنگتن را منعکس کرده است . این روزنامه در شماره ۲۱ اردیبهشت ۱۳۴۶ خود ضمن اشاره بـه «عصبانیت ونگرانی» امریکائی‌ها دراین زمینه واینکه امریکائی‌ها « ناچارند این عصبانیت و نگرانی را حتی الامکان مکتوم نگاهدارند » مینویسد این نگرانی « از چند موضوع ناشی شده و سرچشمه گرفته است که مهمتر از همه توسعه روابط سه کشور متحد آن کشور در سازمان پیمان سنتو با شوروی است . سه کشورمنطقه‌ای عضوسنتو یعنی ایران، ترکیه وپاکستان طی چند سال اخیر هر یك قرارداد های مهمی بادولت شوروی وسایر دول اروپای شرقی منعقد ساخته‌اند که چشم گیرتراز همه عقد قرارداد های اقتصادی و فنی ایران با شوروی ، فروش گاز ، امور سد سازی و ایجاد کارخانه های ماشین سازی و ذوب‌آهن و بالاخره خرید یکصد و ده میلیون دلار اسلحه میباشد . اگر چه مقامات امریکائی در اظهار نظر های رسمی خود این اقدام دولت ایران را یك امر مربوط به‌خود این کشور میدانند اما مطبوعات امریکا و گاهی هم نمایندگان آن کشور از ابراز نگرانی خودداری نکرده‌اند » .

«روابط دوستانه» با تاراجگران امپریالیستی ؟ !

اعم از اینکه این « نگرانی‌ها » واقعیت داشته باشد یانه یك نکته مسلم است و آن اینکه بسطروابط اقتصادی‌باکشور های سوسیالیستی امکان تضعیف مواضع اقتصادی انحصارات و لطمه به تسلط اقتصادی امپریالیسم را در پی دارد. واما شاه وسایر مقامات رسمی ایران بطوریکه اظهارات اخیر آنها نشان میدهد سعی دارند هیچگونه زمینه‌ای برای بروز اینقبیل نگرانی‌ها باقی نگذارند . از پی هر یك از این ابراز « نگرانی » ها مقامات رسمی ایران بطور مستقیم یاغیر مستقیم میکوشند خاطر محافل امپریالیستی‌را آسوده نگاهدارند و بآنها اطمینان بدهند که با وجود توسعه همکاری اقتصادی و روابط بازرگانی با کشور های سوسیالیستی هیچگونه لطمه‌ای به منافع غارتگرانه کشور های امپریالیستی در ایران وارد نخواهد آمد و انحصارات امپریالیستی از این پس نیز میتوانند باخیال راحت تاراجگریهای خودرا درعرصه اقتصاد ایران ادامه دهند . یونایتدپرس با استناد به اظهارات مقامات رسمی ایران‌مینویسد : «منابع عالیرتبه سیاسی ایران اظهار داشتندکه نزدیکی ایران وشوروی بهیچوجه سبب نخواهد شد که مناسبات آن کشور با غرب به سردی گراید و افزودند ایران که بیش ازیك هزار میلیون دلار ازایالات متحده کمك دریافت کرده است همچنان عضو پیمان سنتو خواهد بود و میسیون نظامی امریکا همچنان به‌کار تعلیم دادن ارتش وپلیس ایران ادامه خواهد داد» . چند روز پس از انتشار این خبر یونایتدپرس ، جرائد کشور مصاحبه های شاه را با مخبر روزنامه المنار بغداد وروزنامه های دیگر انتشار دادند که در آن شاه بار دیگر تصمیم خود را به‌ادامه عضویت در بلوك امپریالیستی سنتو اعلام کرد و افزود که ایران براساس « سیاست مستقل ملی » « با جهان غرب و همچنین با همسایه بزرگ خود شوروی روابط دوستانه دارد » . البته هیچکس نمیگوید که چون ایران روابط اقتصادی خودرا با کشور های سوسیالیستی توسعه میدهد پس باید مناسبات خود را با کشورهای امپریالیستی « سردکند » وبا آنها « روابط دوستانه » نداشته باشد . ولی آیا خصلت روابط کنونی ایران با کشور های امپریالیستی و در درجه اول با امریکا با روح زمان ما و با منافع حیاتی کشور و مردم ما مطابقت دارد ؟ این روابط درصورتی جوابگوی مصالح ملی ما میبود که بربایه برابری و رعایت حداقل منافع متقابل مبتنی میشد . اگر این روابط چنین خصلتی میداشت آنوقت‌شاه ودولتش‌حق داشتند که درعین‌توسعه روابط خود با کشور های سوسیالیستی در حفظ این روابط و در جلوگیری از سردی آن بکوشند . ولی خصلت کنونی روابط ایران با کشور های امپریالیستی وکوشش برای حفظ این روابط جز خیانت آگاهانه بمصالح ملی مردم ایران عنوان دیگری نمیتواند داشته باشد . در تمام سالهای پس از کودتا روابط اقتصادی کشور های امپریالیستی با ایران وسیعترین دامنه را داشته است . از سال ۱۳۳۳ تا سال ۱۳۴۵ ایران بابت درآمدنفت قریب ٤ میلیارد و ۸۰۰ میلیون دلار، از طریق وامهای مختلف بیش از ۱ میلیارد و از طریق صادرات نزدیك به۱میلیارد و۵۰۰میلیون‌دلار ارزدریافت کرده است. یعنی درظرف ۱۳ سال درآمد ارزی ایران در حدود ۷٫۵ میلیارد دلار بوده است . در طول این سالها واردات‌ایران ازکشورهای امپریالیستی بطورمداوم درجهت افزایش سیر کرده و به ٦ ـ ۷ برابر صادرات ایران بآن کشورها رسیده است . مبادلات بازرگانی ایران باین کشورها مبتنی برهیچ قرارداد وموافقتنامه‌ای نبوده وکشورهای امپریالیستی واردکننده کالا هیچگونه تعهدی برای صدور متناسب کالا از ایران نداشته اند وکارشان تنها منحصر به خارج ساختن ارز از کشور بوده است . طی این سالها علیرغم آنکه درآمد نفت ما هر سال روبفزونی رفته در نتیجه عدم تعادل بازرگانی تمام درآمد نفت باضافه تمام ارز دریافتی بابت صادرات همراه بـا مبالغ هنگفتی قـرض ، بـرای جبران کسری نـاشی از فـزونی واردات بـر صادرات پرداخت شده است . و اما خصلت واردات کالا های کشور های امپریالیستی واسترو کتور واردات این کالاها برهمگان اشکار است . این کالاها بطور عمده اشیاء مصرفی که نظائر آن در ایران هم تولید میشده و یا امکان تولید آن بوده و نیز کالا های تجملی لوکس و مقادیر هنگفتی اجناس بنجل بوده است . کالا هائی کـه برای رفع نیازمندیهای واقعی تولیدی و احداث صنایع وحتی صنایع سبك ضروری بوده درقیاس باکالا های غیر ضروری نسبت ناچیز داشته است . آنچه که بخصوص خصلت ضد ملی این واردات را نشان میدهد ارز هنگفتی است که برای خرید اسلحه و مهمات بمصرف رسیده است . از این ۷٫۵ میلیارد دلار طبق اعتراف روزنامه امریکائی هرالدتریبون « امریکا تاکنون بمیزان نزدیك به ۲ میلیاردلار اسلحه به‌ایران تحویل داده است» (به نقل از روزنامه اطلاعات شماره ٤ اسفند ۱۳٤۵) . کمکهای نظامی بلاعوض امریکا بایران فقط بخش کوچکی از این ۲ میلیارد دلار را تشکیل میدهد. بقیه بایرداخت ارز خریداری شده‌است. بدینطریق در ظرف ۱۳ سال ۷ میلیارد و ۵۰۰ میلیون دلار ارزگرانبها به‌گاوصندوقهای انحصارات امپریالیستی سرازیر شد و در پایان ۱۳ سال امر خطیر و حیاتی صنعتی ساختن کشور اندرخم‌همان کوچه اول باقی مانده بود و اگر مردم ایران با مبارزات پیگیر خود و کشور های سوسیالیستی درپرتو سیاست صلحدوستانه وپیروی از سیاست اصولی همزیستی مسالمت آمیز خود برای برقراری و توسعه روابط اقتصادی با ایران بمیدان نیامده بودند مسلماً تاکنون گامی در این راه برداشته نشده بود . با این توصیف است که زمامداران ایران هنوز هم جهد دارند درعین توسعه روابط اقتصادی خود با کشور های سوسیالیستی روابط خود را با کشور های امپریالیستی و با انحصارات غارتگر آنها « دوستانه و گرم » نگاهدارند . آنوقت به این تمایل و به این « جدوجهد » نام « سیاست مستقل ملی » داده میشود. و این در شرایطی است که اوضاع و احوال کنونی جهان و تغییر تناسب قوا در عرصه بین‌المللی مساعد ترین امکانات‌را برای اتخاذ سیاست واقعاً ملی وواقعاً مستقل در اختیار کشور های کمرشدی چون ایران گذارده است .

آرزوی ملی و توقعات امپریالیسم

انحصارات امپریالیستی مانند شته بزربارور ترین شاخه های اقتصاد ایران لانه کرده وعصاره حیاتی آنرا میمکند ایران احتیاج به‌تأمین آهنگ رشد سریع دارد تا بتواند در مدتی کوتاه به عقب ماندگی دیرین و موهن خود در زمینه اقتصادی پایان دهد . شرایط عینی جهان کنونی برای تحقق این آرزوی ملی ایرانیان از هر جهت مساعد است . ولی علاقه و لجاج رژیم کنونی به حفظ پیوند هـای خود با کشور های بزرگ امپریالیستی و بویژه بـا امپریالیسم امریکا مـانع تحقق این آرزوی ملی است . امپریالیستهای امریکـا با تمام قوا میکوشند درآمد ایران از محل نفت وسایر درآمد های ارزی ایران به دلار برای هدفهای اساسی رشد اقتصادی ایران بمصرف نرسد . برای اینکار هم اهرمهای مطمئنی بصورت کنسرسیوم نفت ونگاهداری ایران در بلوك تجاوز کار امپریالیستی سنتو و قرارداد نظامی دوجانبه باامریکا ومبادلات‌تجاری مبتنی‌برسیاست در های بازومعاف از عقد موافقتنامه های بازرگانی در اختیار دارنـد و از این اهرمها بـرای پیشرفت مقاصد استعماری خود حـداکثر استفاده را بعمل میآورنـد . ملك‌نامارا وزیـر دفـاع امریکـا چندی پیش در مجلس نمایندگان امریکا بدون هیچ پرده پوشی مقاصد امپریالیستی امریکا و توقعات استعمارگرانه خود ازرژیم ایران را فاش ساخت و صریحاً گفت : « ایران پیشرفتهای اقتصادی ـ قابل ملاحظه ای بدست آورده . باینجهت ما از کمك خود به ایران کاسته‌ایم و قصد داریم در آینده باز هم از آن بکاهیم . ما امیدواریم کـه کشور های خاورمیانه بتوانند منابع خودرا بین مصارف نظامی و مصارف اقتصادی . . . « بدرستی » تقسیم کنند». کاملا آشکار است که ملك‌نامارا ازتقسیم « درست » منابع ایران بین مصارف نظامی و مصارف اقتصادی چه چیزی را در نظر دارد .

تمایل به ارضاء خواستهای غارتگران

برای ارضاء همین خـواستهای امپریالیستها است که سران رژیم‌پیوسته تمام کـوشش خـود را برای «گرم نگاهداشتن» و حفظ «روابط دوستانه» سابق با «جهان غرب» تأکید میکنند .

اینك شاه عازم امریکاست ودرآنجا دو روز بطور رسمی با جانسون ملاقات خواهد کرد طبیعی است که دراین‌ملاقات مسئله توسعه روابط ایران‌باکشورهای سوسیالیستی وبخصوص با اتحاد شوروی نیز مطرح‌خواهد شد و ازکلیه «وسائل» و «امکانات» برای رفع «نگرانی» استفاده بعمل خواهد آمد . ولی این مذاکرات هر نتیجه ای را که ببار آورد در اراده مردم ایران برای مبارزه در راه بسط هر چه بیشتر دامنه همکاری اقتصادی و روابط بازرگانی با همسایه بزرگ ما اتحاد شوروی و سایر کشور های سوسیالیستی کمترین خللی وارد نخواهد ساخت . هر گامی که برای رفع « نگرانی » امپریالیسم امریکا در ایران بعمل آید با بیزاری و نفرت از طرف توده مردم ایران محکوم خواهد شد .

خصلت وخصوصیات همکاری اقتصادی با کشور های سوسیالیستی

همکاری اقتصادی و روابط بازرگانی با اتحاد شوروی و سایر کشورهای سوسیالیستی بعلت خصلت و ماهیت عمیقاً مترقی آن دارای آنچنان ارزش و اهمیتی است که هیچ میهن پرست و عنصر ترقیخواه نمیتواند در راه بسط دامنه آن با تمام قوا مجاهدت نکند .

این روابط بر خلاف روابط اقتصادی نابرابر با کشور های امپریالیستی عمیقاً جوابگوی مصالح حیاتی مردم ایران است زیرا این روابط : ۱ ـ پایاپای است یعنی در مقابل ورود مقدار معین کالا خرید معادل آن از کالا های داخلی ایران تعهد میشود و از پرداخت ارزی معاف است ؛ ۲ ـ وامها و اعتباراتی که کشور های سوسیالیستی در اختیار ایران میگذارند دارای بهرهٔ بسیار نازل است ؛ ۳ ـ وارداتِ کالا از کشور های سوسیالیستی شامل ماشین آلات صنعتی و کشاورزی و یا کالا هائی است که اولا مورد نیاز مصرفی عموم است و ثانیاً نظائر آن یا در کشور وجود ندارد و یا میزان آن کم است و برای تأمین مصرف داخلی کافی نیست (مانند قند و شکر و غیره) . تأمین کمبود این کالا ها از کشور های دیگر مستلزم پرداخت ارز و مشمول شرایط نامساعد دیگر معمول در مبادلات بااین کشور هاست ؛ ٤ ـ نرخ کالا های وارداتی از کشور های سوسیالیستی و نیز نرخ کالاهای صادراتی باین کشورها عادلانه است و در تعیین آن منافع ایران از هر جهت تأمین میگردد ؛ ۵ ـ هدف اساسی درهمکاری اقتصادی و روابط بازرگانی کشور های سوسیالیستی با ایران رفع نیازمندیهای صنعتی و ایجاد بنیاد مادی و فنی لازم برای صنعتی ساختن کشور است . بالنتیجه توسعه این روابط برخلاف روابط باکشورهای امپریالیستی نه تنها رشد تولید داخلی را فلج نمیکند و کالا های داخلی را با رقابت کمرشکن مواجه نمیسازد بلکه برعکس استروکتور کالا های وارداتی و صادراتی و همکاری اقتصادی با این کشور ها به رشد اقتصادی و تسریع برنامه‌های عمرانی و پیشرفت تولید داخلی بطور مؤثر کمك میکند و برای ایران امکان مقاومت دربرابر انحصارات غارتگر امپریالیستی بوجود میآورد .

بقیه در صفحه ۷

خصلت نیم بند اصلاحات ارضی و تشدید تضاد در روستای ایران

بموجب لایحه چهار ماده‌ای وزارت کشاورزی که متن آن اخیراً در جراید تهران انتشار یافته ، مالکانی که در مرحله دوم اصلاحات ارضی املاك خود را به دهقانان اجاره داده اند ، چنانچه مایل باشند میتوانند این اراضی را به دولت بفروشند تا دولت آنرا به اقساط ۱۵ ساله بدهقانان واگذار کند . طبق ارزیابی روزنامه اطلاعات ، مساعدت قابل ملاحظه ، دولت نسبت به این عده‌از مالکان آنست که چنانچه بهای املاکشان تا مبلغ (۵۰۰۰۰۰) ریال باشد ۹۵ در صد آن نقد و مازاد بر این مبلغ به اقساط ۱۴ گانه و بهره ٦ در صد از طرف دولت پرداخت میشود . املاکی که ارزش آن بیش از (۵۰۰۰۰۰) ریال باشد تا پانصد هزارریال نقد و مازادآن طی ۱٤ سال با بهره ٦ در صدپرداخت خواهد شد چنانچه از مواد لایحه مشهود است ، فروش این املاك کاملا داوطلبانه و موکول به تصمیم مالکان است ، برای اجرای آن یك مهلت سه ساله تعیین شده و از جمله مزایای دیگری که به مالکان تعلق میگیرد ، واگذاری اراضی بایر و موات به آنان ، همراه با پرداخت یکجای قبوض اقساطی شان‌برای ایجاد واحد های‌بزرگ کشاورزی‌است .

برای ارزیابی این اقدام جدید که تبلیغات‌رژیم آنرا « قانونی تازه بر مبنای عادلانه ترین شیوه ها » نامیده است ، بهتر است کمی به عقب باز گشته و مراحل اول و دوم اصلاحات ارضی را مختصراً بررسی کنیم :

دهقانان و مرحله اول اصلاحات ارضی — بطوریکه‌آخرین آمار منتشره از طرف وزارت کشاورزی حاکی است دولت در ۵ سال گذشته مجموعاً تعداد ۱٤۸۳٤ ده ششدانگ و کمتر از ششدانگ از مالکان خریداری و به ۵۸۷۵٦٦ خانواده دهقان فروخته است . تعداد دهاتیکه به دهقانان فروخته شده مالمعه‌ای است از دهات ششدانگ ، کمتر از ششدانگ و حتی مزرعه و رقبه . طبق یك بر آورد تقریبی قرار بود در مرحله اول در حدود ۱٤۰۰۰ ده تقسیم شود که ۳۷ در صد آن ششدانگ‌و ٦۳ در صد آن‌دهات کمتر ازششدانگ باشد . اگر همین نسبت را دربارهٔ تعداد کل دهات فروخته‌شده در مرحله اول تعمیم دهیم و نیز حدمتوسط دهات کمتر از ششدانگ را سه دانگ فرض کنیم معلوم میشود در پایان مرحله اول حد اکثر در حدود ۱۰۰۰۰ ده از مجموع ۵۰۰۰۰ ده به دهقانان فروخته شده و چهار پنجم دهات ایران در تصرف شاه ، دولت ، مالکان و موقوفه خواران مانده است .مساحت زمین های تقسیم شده بهیچوجه معلوم نیست ولی شاید بتوان با قیاس با مواد مشابه مساحت تقریبی آنرا بدست آورد . بموجب آمار های موجود ، تا سال ۱۳٤۱ از املاك شاه ۵۱۷ قریه بمساحت ۱۹۹٦۲۸ هکتار و به بهای ۱۲۰ میلیون تومان به ٤۲ هزار خانوار دهقان فروخته شده است . یعنی هر خانوار دهقان بطور متوسط ٤٫۷۵ هکتار زمین خریده است (صرفنظر از آنکه مساحت زمینهای واگذاری به دهقانان از ۱ هکتار تا ۲۰ هکتار بوده است)اگر فرضاً همین میزان را دربارهٔ دهقانانی که در مرحله‌اول زمین خریده‌اند تعمیم دهیم ، حد اکثر در حدود۲٫۵ میلیون هکتاربه دهقانان زمین فروخته شده و ازمجموع ۱٦٫۵ میلیون هکتار اراضی زراعتی ایران (٦ میلیون هکتار زیر کشت و ۱۰٫۵ میلیون هکتار آیش) در پایان مرحله اول ۱٤ میلیون هکتار زمین در دست شاه ، دولت و مالکان و موقوفه خواران باقی مانده است . تعداد خانوار هائی که زمین خریده اند (۵۸۷۵٦٦ خانوار) به نسبت ۳۲۸۱٤٦۰ خانواری که جمعیت روستا نشین کشور را تشکیل میدهند فقط ۱۸ در صد آنانرا در بر میگیرد یعنی در پایان مرحله اول در وضع ۸۲ در صد دهقانان تغییری رخ نداده . خانوارهائی که زمین خریده‌اند به نسبت تعداد خانوار های صاحب نسق (۱۹۳٤۱٦۰خانوار) فقط ۲۰ در صد خانوارهای دهقانی‌را تشکیل میدهند وقریب ۷۰ درصد خانوار های صاحب نسق یعنی ۱۳٤٦۵۹٤ خانوار بصورت دهقان اجاره‌دار یا مزارعه کار باقی مانده‌اند علاوه بر ۱۲۸٤۳۰۰ خانوار دهقان فاقد نسق زراعتی یعنی خوش نشینان و کارگران کشاورزی که قانون اصولا حقی برای آنان نشناخته است .

دهقانان و مرحله دوم اصلاحات ارضی — اثبات نامه اجرائی مرحله دوم ، مالکان رامخیر میگذاشت تا یکی ازسه شق اجاره ، فروش وتقسیم را اختیار کنند . بموجب آخرین آمار در پایان مرحله دوم ۱۰۷٦۷۷۵ خانوار دهقانی املاك ۲۰۲۳۵۹ خرده مالك را بمدت ۳۰ سال اجاره نموده‌اند ، ٤۵۹۸۵ خانوار ، موفق به خرید زمین شده‌اند و در عوض ۱٤۱۸۷ خانوار حق ریشه خود را به مالکان فروخته‌اند و ۱۵۳۱٦٤ خانوار مشمول شق سوم یعنی تقسیم زمین بر حسب مالکیت عوامل زراعتی بوده‌اند و اگر چه حصه بزرگی از نسق زراعتی خود را ازدست داده‌اند ، ولی بهر حال موفق به خرید قطعه کوچکی از آن شده‌اند

چنانچه آمار فوق گواهی میدهد در مرحله‌دوم مجموعاً فقط ۱۹۹۱٤۹ خانوار با استفاده از شق فروش و تقسیم ، قطعه زمینی یا نامرغوب و یا خیلی کوچکتر از نسق زراعتی خویش خریده‌اند و اگر این عده را نیز به مشمولین‌مرحله اول اضافه کنیم تازه نسبت کل دهقانانی که زمین خریده‌اند از ۱۸ در صد به ۲٤ در صد تغییر مییابد. یعنی در مرحله دوم که تا قبل از تنظیم لایحه چهار ماده‌ای اخیر پایان فروش زمین به دهقانان اعلام شده بود فقط ٦ در صد دهقانان مشمول خرید زمین شده‌اند و مجموعا ۷٦ در صد خانوارهای دهقانی از خرید زمین سهمی نداشته‌اند .

در مرحله دوم مالکان توانستند با اتکاء به قانون سیستم اجاره زمین را به دهقانان تحمیل کنند زیرا هم میتوانستند زمینهای پهناوری را در مالکیت خود نگاه دارند و هم دهقانان را بشیوهٔ گذشته استثمار کنند . در این مرحله بیش از یك میلیون خانوار دهقان مجبور به اجاره زمین در برابر اجاره بهای سنگین شدند و عجب اینجاست که مبلغین رژیم که تا دیروز با آب و تاب فراوان خبر از استقبال پر شور دهقانان برای اجارزمین میدادند ، اکنون نا گزیر اعتراف میکنند که سنگینی مال الاجاره ها، دهقانان را ناراضی کرده است . برای آنکه روشن شود که در مرحله دوم چه اراضی پهناوری در ملکیت مالکان مانده و به اجاره رفته است از نوشته روزنامه اطلاعات اتخاذ سند میکنیم که نسبت زمینهای استیجاری مرحله دوم را به زمینهای فروخته شده مرحله اول ، ٤ به ۷ میداند یعنی اگر بر اساس محاسبه تخمینی ما ، در مرحله اول ۲٫۵ میلیون هکتار زمین به دهقانان فروخته شده باشد ، در مرحله دوم ٤۳۰۰۰۰۰ هکتار زمین به اجاره رفته است که هم اکنون دولت به عللی که در زیر گفته خواهد شد ، تصمیم دارد در صورت داوطلب بودن مالکان این زمین ها را خریده و به دهقانان بفروشد .

عللی که رژیم شاه را بعقب نشینی تازه مجبور کرد — همانطور که درآغاز پیش بینی میشد اصلاحات ارضی شاه به علت‌سمت خود و نیز سطحی بودن و ناپیگیری آن ، نه تنها قادر به حل تضاد هایی موجود در جامعه ما نبوده و نیست ، بلکه تضاد های جدیدی را نیز با خود همراه دارد . امروز پس از گذشت ۵ سال کم و بیش میتوان صحت این پیش بینی را مشاهده نمود .

تا قبل از اصلاحات ارضی ، دهقانان دراکثریت خود از طریق سیستم مزارعه ، یعنی کار بر روی زمین ارباب و تقسیم محصول بر حسب عوامل زراعتی غارت میشدند . رفرم ارضی این سیستم واحد غارتگری را بر هم زد و گروههای مختلف دهقانان را در شرایط مختلف بهره کشی مالکان قرار داد ، اکنون مشاهده میشود که حتی دهقانانی که زمین خریده‌اند درشرایط متفاوتی قرار دارند ، زیرا شرایط فروش زمین درمرحله اول و دوم کاملا متفاوت است . در مرحله اول دولت زمین را ده در صد گران تر از قیمت خرید به دهقان میفروشد و بهای آنرا۱۵ساله از دهقان دریافت میکند . در مرحله دوم دهقانی که مشمول‌شق فروش است ، بایدبا وام وزارت کشاورزی یك سوم ارزش ملك را نقد به مالك بپردازد و باقیمانده را بر اساس توافق با مالك تأدیه نماید . شق تقسیم ، دهقان را موظف میدارد که یك سوم قیمت را با وام وزارت کشاورزی نقد و بقیه را ده ساله پرداخت کند و نیز دهقانان اجاره دار نسبت به دهقانانی که زمین خریده‌اند در شرایط متفاوتی قرار دارند . اجاره بهای پرداختی بسیاری از دهقانان اجاره دار ، حتی از قسط زمین دهقانانی که زمین خریده‌اند بیشتر است . روزنامه اطلاعات ناگزیر در توضیح عقب نشینی اخیر دولت مینویسد : « اجاره بسیاری از اراضی حتی از قیمت زمین های مشابه که بین کشاورزان تقسیم شده بیشتر است ، شك‌نیست که اینگونه تحمیلات ناروا سبب تشدید نارضایتی دهقانان شده و اینجا و آنجا آنانرا به عکس العمل واداشته است . تصویب قانون ٦ ماده‌ای در آذرماه ماه سال گذشته که برخی تغییرات را در قانون اصلاحات ارضی تصریح میکرد مؤید فقدان آرامش در روستا و جبهه گیری در برابر دهقانانی بود که قادر به پرداخت‌اجاره‌بهای‌سنگین نبودند . طبق ماده ۵ آئیننامه اصلاحات ارضی ، چنانچه دهقان اجاردار نمیتوانست در سر رسید مقرر ، اجاره بها را بپردازد ، پس از انقضای سه ماه از تاریخ مذکور بدرخواست مالك اجاره فسخ‌میشد، اما ٦ ماده الحاقی به قانون اصلاحات ارضی ، سه ماه مهلت قانونی دهقانان را حذف نمود و مقرر داشت که « دهقانان باید مال الاجاره را در سر رسید سند اجاره بپردازند و در صورت استنکاف ، سازمان اصلاحات ارضی موظف است وسیله مأمورین ژاندارمری مقداری از محصول زارع را معادل میزان مال الاجاره برداشت و به مالك مربوطه تحویل دهد » اما بکار گرفتن قدرت قانون و سر نیزه ژاندارم نیز نتوانست دهقانان را آرام و غارتگری مالکان راتأمین کند . وجود بیش‌از یك میلیون دهقان اجاره دارمغبون و ناراضی ، کانون مزاحمت و درد سر دائمی برای دولت بود ، در نتیجه رژیم مجبور شد به این عقب نشینی تازه تن در دهد .

علت دیگر را باید در سمت اساسی رفرم‌ارضی شاه ، یعنی در تمایل به تقویت مناسبات سرمایه داری در کشاورزی جستجو نمود . شك نیست که حفظ بخش سنتی عقب مانده کشاورزی خواه ناخواه با هدف رژیم که بسط مناسبات سرمایه داری در ده است در تضاد قرار دارد . سیستم خرده اجاره داری نمیتواند خود را با هدف رژیم که ترویج شیوه سرمایه داری در کشاورزی و ایجاد واحد هایی بزرگ است تطبیق دهد . بهمین جهت‌است که درآستانه مرحله سوم اصلاحات ارضی که هدف آن «بهبود و افزایش کشت» اعلام شده رژیم خود را ناگزیر از الغاء سیستم خرده اجاره دهی میبینند. شاه بارها توصیه کرده است که دهقانان هر ده در بین خود شرکتهای سهامی تشکیل دهند و زمینهای ده را بصورت واحدی بزرگ ، با شیوه سرمایه داری اداره کنند .

اما این اقدام ناگزیر شاه ، مانند سایر اقدامات وی در مراحل اول و دوم اصلاحات ارضی همراه با اعطاء امتیازات فراوان به مالکان است که از جمله پرداخت مبالغ هنگفتی بعنوان قسط اول زمین است . در شرایطی که مؤسسات مالی و اعتباراتی دولت دهقانان را مانند توپ فوتبال بیکدیگر پاس میدهند و هیچیك حاضر نیستند که وامهای چند صد تومانی دهقانان را تأمین کنند دولت خود را برای پرداخت میلیونها تومان به مالکان آماده اعلام میکند .

املاك استیجاری مرحله دوم باید قطعاً و بدون استثناء بدهقانان واگذار گردد و صدها میلیون تومانی که بابت بهای زمین بمالکان پرداخت شده و میشود برای تقویت بنیه مالی دهقانان ، کمك به شرکتهای تعاونی روستائی و سرمایه گذاری خود دولت در این شرکتها صرف شود .

اعتبارات کشاورزی در خدمت شرکتها، سازمانها و طرحها — تمایل روز افزون رژیم به بسط مناسبات سرمایه داری‌در ده و ایجادزمینداری بزرگ (لاتیفوندها) موجب تغییر سمت سیاست توزیع اعتبارات کشاورزی شده است . از آن زمان که وزیر کشاورزی رسماً اعلام نمود که : « بانك کشاورزی بتدریج وامهای کوچك و کوتاه مدت را متوقف خواهد کرد و در آینده بانك با شرکتها ، سازمانها و طرحها سر و کار خواهد داشت » اندکی بیش از یکسال میگذرد . در این دوران چنانکه گزارش بانك ملی حاکی است گرایش به جانب طرحهای بلند مدت و کاهش وامهای کوتاه مدت بوده است . اعتبارات بانك کشاورزی به وامهای متوسط تا پانصد هزار تومان ، اختصاص یافته و پرداخت وامهای کلان بیش از پانصد هزار تومان ، بر عهدهٔ صندوق توسعه کشاورزی گذارده شده که لایحه تأسیس آن چند ماه پیش به تصویب مجلس رسید . پرداخت وامهای کوچك بر عهده شرکت های تعاونی روستائی است که بدون کمترین تردید بنیه ضعیف آنان حتی در صورت حسن نیت قادر بانجام این وظیفه نیست . نیاز شدید دهقانان بکمك وناتوانی شرکتهای تعاونی روستائی چنان عیان است که محافل دولتی خود مجبور به اعتراف هستند . مجله تهران اکونومیست از قول این محافل مینویسد : « چون بانك کشاورزی نتوانسته در سطح وسیع تری کمك مالی به شرکتهای تعاونی روستائی نماید اقداماتی انجام شده تا برای کمك به کشاورزان از طریق شرکتهای تعاونی روستائی ، بانك تعاون تشکیل گردد. شایان توجه‌است که همین بانك کشاورزی در عین مضایقه از کمك به شرکتهای تعاونی که یکی از وظایفشان واگذاری وام به دهقانان و طرد سرمایه ربائی از عرصه کشاورزی است فقط در ۱۱ ماهه سال ۱۳٤۵ ، ۵ میلیارد ریال ، بقول خود برای «انواع امور کشاورزی » وام پرداخته است و این وامها طبق وظیفه‌ایکه برای بانك کشاورزی معین‌شده بوامهای متوسط تا ۵۰۰ هزار تومان اختصاص داشته است .

ظاهراً تشکیل بانك جدید یعنی «بانك تعاون» که باید از طریق شرکتهای تعاونی روستائی بدهقانان وام دهد بر عهده بخش خصوصی گذارده شده زیرا اخیراً وزیر کشاورزی تصویب کرد که «تأمین وسائل کشاورزی از قبیل کود و ماشین و غیره برای کشاورزان بوسیله بخش خصوصی انجام میشود و تأمین اعتبارات کشاورزی بوسیله همین بخش انجام خواهد شد» استدلال مقامات وزارت کشاورزی آنست که گویا «دستگاههای دولتی قادر نیستند به سرعت و خوبی بخش خصوصی وسایل و اعتبارات لازم را در اختیار کشاورزان بگذارند» عجب اینجاست که دستگاههای دولتی بخوبی قادرند میلیارد ها ریال امکانات مالی خودرا در اختیار سرمایه داران شهر و ده برای اجرای «طرحهای بزرگ» بگذارند ولی قادر نیستند وام ناچیز دهقانان را تأمین کنند . بدینطریق راه را برای بخش خصوصی هموار میکنند تا با تحمیل شرایط سنگین و دریافت بهره های گزاف هست و نیست دهقانان را تا آخرین دینار غارت کنند .

سیاست اعتباراتی دولت و عرصهٔ بیدریغ تمام امکانات مادی و معنوی خود برای تشویق سرمایه‌گذاری خصوصی در کشاورزی و نیز بسط نفوذ سرمایه خارجی در روستای ایران دهقانان را در معرض استثمار چند جانبه قرار داده موجب تسریع قشر بندی دهقانان و خانه خرابی لایه های پائینی و میانه است

سیمای واقعی روستای ایران — در شرایطی که رژیم شاه برای تبدیل مالکان ، به سرمایه داران صاحب زمین و تشویق سرمایه داران شهری به سرمایه گذاری در عرصه کشاورزی تلاش میکند ، روستای ایران با هزار مشکل مواجه است . با آنکه رژیم سعی دارد وضع دهقانان را روبراه و روستا را پر رونق جلوه دهد

بقیه در صفحه ۸

بیماری چپ روی و چپ نمائی در بین نیروهای اپوزیسیون

دو شرط اولیه و اصلی پیروزی

دو شرط اولیه و اصلی هر پیروزی اجتماعی و سیاسی عبارت است از اتحاد نیرو های تحول طلب و خط مشی درست سیاسی و تبلیغاتی و تشکیلاتی آنها.

اگر نیروهائی که خواستار ایجاد تحول و دگرگونی انقلابی در جامعه اند واقعاً در حرف خود صادق وجدی هستند باید گرد هدف عمده نهضت متحد شوند. این اتحاد میتواند باشکال مختلف در آید. از اتحاد عمل کوتاه مدت یا دراز مدت سازمانهای مختلف در این یا آن عرصه مبارزه گرفته تا اتحاد آنها در یك جبهه واحد و در زیر پرچم یك برنامه مشترك. بهر جهت اتحاد شرط ضرور است. و اما اتحاد بخودی خود با آنکه شرط لازم است، شرط کافی نیست. نیروهای متحده باید بمشی صحیح نیز مجهز باشند: یعنی بدانند چه میخواهند، با چه کسی طرف هستند، از چه راه میخواهند بهدف برسند، تناسب قوای خودی و دشمن چیست، در چه محیطی عمل میکنند، چه شیوه ای در تبلیغ باید داشته باشند، چه اشکال مبارزه سازمانی را باید بکار ببندند و غیره و غیره. خلاصه آنکه اگر نیروها متحد باشند و مشی روشن و صحیح، پیروزی در طول مدت حتمی است. ولی بر عکس اگر نیروها متفرق باشند و مشی مبهم و غلط شکست و ناکامی ناگزیر است.

حال خود قضاوت کنید: نیرو هائی در ایران و خارج از ایران با رژیم ضد ملی و ضد دموکراتیك موجود و استبداد شاه مخالفند و میخواهند وضع را در ایران بسود استقلال ودموکراسی دگرگون سازند. این هدفی است شریف و عالی. ولی آیا این نیرو ها بین خود و در داخل خود وحدت عمل و وحدت نظر دارند؟ متأسفانه نه. نه فقط نیروها در ایران و خارج از ایران با وجود انبوهی خویش پراکنده اند، بلکه گاه سخت بجان هم میافتند. آن انرژی و وقت و قدرت مادی که باید صرف کوبیدن مخالف اجتماعی شود، صرف کوبیدن یکدیگر میشود. بقول ایرج میرزا:

«کوبیدن اشقیا از این به؟
دانائی ومعرفت از این بیش؟»

زنهار باشهای مکرر حزب ما در باره خطرات این پراکندگی بجائی نرسیده دعوت حزب ما برای ایجاد وحدت عمل و تنظیم برنامهٔ مشترك مبارزه بی‌نتیجه مانده تفرقه نه فقط ادامه دارد بلکه تشدید میشود. قهرمانان نفاق هر روز بذر تازه ای می‌افشانند و عجالتاً در اجراء وظیفه خود که گاه ناشی از گمراهی است گاه ناشی از بدخواهی موفقند.

و اما در مسئله خط مشی نیز کار از مسئله وحدت بهتر نیست. عده ای از سازمانهای اپوزیسیون روزبروز در درك مسائل بین المللی و مسائل ایران از واقعیت دور تر میشوند و مجذوب شعارهای احساساتی و غیرعملی و تجریدی هستند. بجز حزب توده ایران که تلاش ثمربخشی برای برآورد صحیح وضع جهان و ایران بکار برده و میبرد، بقیه سازمان های مخالف رژیم استنباط سطحی، ساده شده و احساساتی و انتزاعی نادرستی از این وضع دارند. این چپ روی دامنگیر سازمانهای اروپائی و امریکائی «جبهه ملی» و «جامعه سوسیالیستها» و گروههای وابسته به «توده» و «طوفان»، و محافل معین جنبش دانشجوئی ایرانی در خارج است. این سازمانها و جرائد وابسته بآنها نه فقط در باره وضع جهان و ایران استنباط نادرستی دارند، بلکه دامنه احتجاجات نادرست خود را بآنجا کشانده اند که روز بروز بیشتر در جاده مخالفت با شوروی و دشمنی با حزب توده ایران پیش میروند و با این عمل خواه بخواهند یا نخواهند افزار سودمندی در دست محافل امپریالیستی و ارتجاعی قرار میگیرند، محافلی که اتحاد شوروی و کشور های سوسیالیستی را در جهان و حزب توده ایران را درایران هدف عمدهٔ حملات خود ساخته اند. آیا واقعاً این افراد و نیروها که به تفرقه میدان میدهند، شعارهای تجریدی و احساساتی را بدون توجه به محتوی عملی و واقعی آنها تکرار میکنند، با اتحاد شوروی که همسایه ما و محکمترین تکیه گاه نیرو های ترقیخواه و تحول طلب جهانی است از در مخالفت در میآیند، با حزب توده ایران که جدی ترین و معتبرترین و پر سنت‌ترین نیروی ترقی وتحول در ایران است راه خصومت درپیش میگیرند، واقعاً میخواهند با رژیم استبدادی شاه مبارزه کنند؟ واقعاً در دعاوی انقلابی خود صادقند؟ واقعاً فکر میکنند از این راه بجائی میرسند؟ این سئوال پاسخهای متعددی دارد: مسلماً کسانی هستند که صادقند و شاید هم اکثریت با این عده است. این افراد که فاقد اغراض ناپاك هستند دچار اشتباه و سردر گمی و ارزیابی خطا شده اند ولی مسلماً کسانی هم هستند که میدانند چه میکنند. برای آنها ایجاد محمل و مبنای فکری مخالفت و مناقشه با حزب کمونیست شوروی و دیگر کشور های سوسیالیستی و حزب توده ایران رسالت و وظیفه مرکزی است. امروز باینشکل فردا به شکل دیگر. دلائل و احتجاجات رنگارنگ است ولی اصل قضیه که مخالفت است مستمراً بلا تغییر میماند. هیچ استدلالی، هیچ نرمشی و هیچ کوششی از حدت آن نمیکاهد.

ولی بهرجهت خواه عناصر بی غرض و خواه مغرض مجملهائی را بمیان میآورند و نظریه ای را با رنگها و فرمولبندی های مختلف ولی محتوی کمابیش واحد، مطرح میسازند، ببینیم آن نظر کدام است و عیار منطقی آن چیست؟ به بینیم ما بدان نظر چه پاسخ میدهیم؟ باید این بحث با صراحت و روشنی مطرح شود. زیرا امروز منطق و دلیل و فردا واقعیت و تاریخ بمدد حقیقت میشتابد و خواهد شتافت ومیتوان مانند خورشید روشن دید که پایان کار چپ روی اعم از آنکه منشاء آن گمراهی باشد یا غرض، شکست و ناکامی است.

تلخیصی از نظریه چپ روها

اگر بکوشیم با کنارگذاشتن مقالات و سیتادها لب کلام چپ روها را بیرون بکشیم و آنرا در سطور معدودی تلخیص کنیم حاصل این تلخیص چنین‌است:

«در جهان نبرد اساسی بین خلقهای آزادی و استقلال طلب آسیا و افریقا و امریکای لاتین با امپریالیسم و بر رأس آن امپریالیسم امریکا درگرفته است. این مبارزه ایست که تنها از طریق مسالمانه و مبارزات پارتیزانی میتواند پیروز شود. وظیفه کشور های سوسیالیستی است که بسبب ماهیت انقلابی خود باین نهضت ها از هر باره و نیز از لحاظ نظامی و تسلیحات کمك کنند. وظیفه آنهاست که رژیمهای ارتجاعی و دست نشانده امپریالیسم را از هر باره بکوبند و با آنها جز در حدود بسیار عادی رابطه ای برقرار نسازند. ولی عده ای از کشور های سوسیالیستی و از آنجمله اتحاد شوروی چنین روشی ندارند و برعکس در صدد اجراء سیاست همزیستی مسالمت آمیز و مسابقه مسالمت آمیز با کشور های سرمایه داری و امپریالیستی هستند. این سیاست در حکم لطمه زدن به انقلاب خلقها و انقلاب جهانی است. لذا اتحاد شوروی و کشور های سوسیا لیستی با طرفداری از همزیستی مسالمت آمیز عملا به دستیار امپریالیسم مبدل شده اند و لذا باید مانند امپریالیسم و حتی شدید تر از آن آماج مبارزهٔ انقلابیون قرار گیرند. حزب توده ایران نیز که از همین مشی حمایت میکند سرسپرده است و از شدت خدمتگذاری است که چنین راهی را در پیش گرفته است این حزب نیز باید بیرحمانه کوبیده شود. و اما در ایران تضاد اصلی بین مردم ایران و رژیم است که دست نشانده امپریالیسم است. تغییرات در وضع ایران مانند اصلاح ارضی و غیره بدستور امپریالیسم انجام میگیرد و برای پیشگیری ازانقلاب و درحکم اجراء اسالیب نواستعماری در ایران است. راه نجات مردم ایران سرنگون کردن قهری این رژیم است. وسیله آنهم جنگ پارتیزانی و مبارزه مسلح است. کشورهای سوسیالیستی نباید با رژیم ایران رابطه ای جز در حدود بسیار عادی و حد اقل دائر سازند، بلکه باید این رژیم را تضعیف نمایند و بمبارزه انقلابی مردم ایران کمك همه جانبه و حتی تسلیحاتی بکنند. چون کشور های سوسیالیستی با دولت موجود ایران رابطه حسن همجواری وکمکهای اقتصادی و فروش اسلحه دائر کرده اند بانقلاب ایران آسیب میزنند و چون حزب توده ایران هم این حسن روابط بین ایران و کشور های سوسیالیستی را تأیید میکند و مردم را به مبارزه مسلح فرا نمیخواند دستیار آنهاست و سازشکار و رویزیونیست شده است و اما همه این معایب نیز تقصیر رهبری سرسپرده حزب توده ایران است. راه چاره آنست که این حزب با این شکل خورد شود و حزب انقلابی طبقه کارگر در ایران از سرنو دائر گردد.»

اینست فشرده کوهی از مقالات و کوه انبوه‌تری از تبلیغات شفاهی که با انواع دشنامها و طعن های گزنده و خلط مبحثها و سنسطه در واقعیات همراه است. مروجین این نظریات چنان مجذوب منطق خویشند که دادن دشنامهائی هر چه پرسوز تر به حزب کمونیست شوروی و حزب توده ایران را در ذمهٔ خود میدانند. ولی در واقع این نظریه، نظریه‌ای سطحی، ساده شده و غیرواقعی است. مسلم است که در آن حقایقی و نیمه حقایقی اینجا و آنجا منعکس است. مثلا این درست است که در جهان و ایران نبرد بی امانی برای آزادی و استقلال درگرفته و این درست است که وظیفه انقلابی و انترناسیونالیستی احزاب کمونیستی‌خواه در دولت باشند یا نباشند کمك همه جانبه باین نبرد است و غیره. ولی ذکر این حقایق کلی و اولیه، برای داشتن تصوری دقیق از وضع جهان کافی نیست. وضع جهان و ایران بمراتب از این بغرنجتر و راه مبارزه در عصر ما بمراتب از این پر پیچ و خم تر است. اشکال کار اینست که توصیف ساده شده و عامیانه و تقسیم همه چیز بسیاه و سفید و اعلام آنکه اعمال قهر حلال همهٔ دردهاست برای کسانی که اطلاع نظری و سیاسی و تجربه عملی کافی نداشته باشند، میتواند جاذب باشد، میتواند حقیقت بلا تردید جلوه کند و برعکس توصیف بغرنج و علمی مسائل و نشان دادن سایه روشنها و مشکلات و ترسیم یك مشی واقع بینانه بر اساس این تحلیل میتواند در نزد همین افراد مفهوم واقع نگردد، آنها را جذب نکند. ولی این موقت است. زمان میآید و زمان میگذرد و آنچه که امروز مبهم و بغرنج بنظر میرسد فردا همه فهم و روشن میشود و ابتذال و نادرستی شعارهای عوامفریبانه برملا میگردد. در تاریخ کم نبوده است که چپ روها با شعار های احساساتی و بظاهر ماوراء انقلابی توانستند مدتی جلوه گری کنند ولی بالاخره در کورهٔ زندگی عیار شعار ها روشن میشود. آخر تا چند سال مدعیان شعار های انقلابی میتوانند وعده بدهند؟ بالاخره آنهائیکه باین وعده ها دل خوش کرده اند روزی اجراء آنهارا خواهند خواست و چون محك تجربه بمیان آید کار ها رویه دیگری بخود خواهد گرفت.

اینك به بینیم باین نظریهٔ ساده شده و سطحی که همه جا با تعبیرات مغرضانه و خود سرانه ای ترصیع شده است، چه ایراد هائی وارد است:

نظری بوضع جهان و ایران

در نظریه چپ روانه ای که تلخیص از آنرا بدست دادیم یك مسئله معمولا بکلی فوت میشود و آن مسئله سلح و جنگ است و حال آنکه این یك مسئله عام و بشری عصر ماست که باید در آغاز هر تحلیلی قرار گیرد. مسئله اینست که تکامل حیرت انگیز سلاح اتمی و هسته ای و وسائل برد آنها بجائی رسیده است که وقوع یك جنگ جهانی را به بلیه‌ای مخوف و دارای عواقبی پیش بینی ناپذیر برای تمدن بشری مبدل میکند. بشر در این نیمه قرن بیستم باید بسیار نادان باشد که این خطر مکنون را نبیند وبرای جلوگیری از آن بموقع چاره ای نیندیشد. خوشبختانه در عصر ما بکمك کشورهای سوسیالیستی، جنبشهای انقلابی، جنبشهای رهائی بخش ملی، دولت های ضد امپریالیستی، مردم صلحدوست و ترقیخواه میتوان و باید علیرغم وجود امپریالیسم و علیرغم آنکه طبیعت جنگ طلب این جهانخوار درنده خو تغییر نکرده است، از وقوع جنگ جهانی جلوگیری کرد. برای این کار بهترین سیاستی که میتوان تعقیب کرد سیاست همزیستی مسالمت آمیز سیستمهای مختلف اقتصادی و اجتماعی و حل مسائل متنازع نه از طریق جنگ وجنگ سرد (که بآسانی میتواند به جنگ گرم بدل شود) بلکه از طریق مذاکره و تخفیف وخامت بین المللی است. این سیاست بهیچوجه منافی اجراء وظیفه اساسی و تاریخی احزاب انقلابی و کشور های سوسیالیست دائر به پیروز کردن سوسیالیسم در مقیاس جهانی، برانداختن سلطه امپریالیسم و سرمایه داری و استعمار و استعمار نوین نیست. چنانکه تجربه نشان داده است در همین شرایط میتوان و باید آن وظیفه اصلی و مرکزی را بویژه از سه طریق مهم زیرین عملی کرد:

۱ — از طریق کمك همه جانبه مادی ومعنوی تا حد کمکهای تسلیحاتی و نظامی به جنبشهای انقلابی کارگری و نجات بخش ملی هر جا که چنین کمکی لازم گردد. اتحاد شوروی و دیگر کشور های سوسیا لیستی این وظیفه را در حق ویتنام، کوبا، الجزیره، مصر، سوریه و یك سلسله کشور ها و جنبشهای ملی و انقلابی انجام داده اند، میدهند و خواهند داد. مثلا برای اثبات این مدعا اظهارات صریح و مکرر رهبران انقلابی و ملی (مانند هوشی مین، فام دان‌دنگ، فیدل کاسترو، احمد بن بلا، جمال عبدالناصر، یوسف زعین و دیگران) موجود است و ما بارها این گفته ها را که در تصدیق کمك وسیع و مؤثر شوروی و ابراز قدر دانی از آن بود، در صفحات «مردم» منعکس کرده ایم. اتحاد شوروی و دیگر کشور های سوسیا لیستی بار ها اعلام کرده اند که آنها دست به «صدور انقلاب» نمیزنند زیرا این‌امر برخلاف نظریه مارکسیستی - لنینیستی در باره ضرورت نضج انقلاب در درون جامعه معین است ولی صدور امپریالیستی ضد انقلاب را تحمل نخواهند کرد. اجراء سیاست همزیستی مسالمت آمیز منافاتی با اجراء وظیفه کمك همه جانبه بخلقها ندارد. این دیگر یك حکم تجریدی نیست بلکه تجربه سالهای اخیر امکان تلفیق این دو روش را نشان داده است.

۲ — از طریق نشان دادن نمونه پیروزی همه جانبه جوامع سوسیالیستی در زمینه آهنگ رشد، بازده کار، سطح زندگی، دموکراسی، رشد علم و فرهنگ، زیرا روزی که جوامع سوسیالیستی موجود بتوانند در همه این نمودار ها بر راقی ترین کشور های سرمایه داری پیشی گیرند، تحول عظیم در عقول و قلوب ایجاد میشود که موجب تسهیل مبارزه نیروهای تحول طلب، موجب تسهیل انتقال قدرت از دست بورژوازی بدست پرولتاریا خواهد شد. آنروز که این پیروزی ها بدست آید دور نیست. هم اکنون کشورهای سوسیالیستی بیش از ۳۸ درصد تولید صنعتی جهان را در دست دارند و با آهنگی بمراتب سریعتر از سرمایه داری در جاده تکامل همه جانبه پیش میتازند. این سخن بمعنای آن نیست که ما میگوئیم سرمایه‌داری بخودی خود خورد خواهد شد، ابداً. این‌سخن بمعنای آنست که ما میگوئیم اثبات مشخص برتری سوسیالیسم بر سرمایه داری مبارزه انقلابی برای خوردکردن سرمایه داری را تسهیل خواهد کرد. مبارزه کشور های سوسیا لیستی در راه اثبات عملی برتری همه جانبه سوسیالیسم بر سرمایه داری اجراء یك وظیفه طبقاتی و در حکم یك عمل عظیم انقلابی است که تأثیرات آن در تاریخ انسانی شگرف خواهد بود.

۳ — از طریق تأثیر اقتصادی و سیاسی و فنی و علمی در محیط جهان و در بازار جهان و بدین ترتیب تنگتر کردن پایگاه امپریالیستی و تجمع هرچه بیشتر نیروها در زیر پرچم مبارزه بر ضد امپریالیسم و منفرد کردن آن. توجه عظیم کشور های سوسیالیستی به بسط بازرگانی خارجی، کمکهای فنی و اقتصادی، روابط فرهنگی و ورزشی و حتی کوشش برای شکاندن انحصار امپریالیستی در زمینه اسلحه و غیره از همین منشاء برمیخیزد. اکنون سهم کشور های سوسیالیستی در بازار جهانی از ۱۲ درصد بیشتر نیست، چیزیکه با قدرت خلقی و اقتصادی آنها ابداً تناسبی ندارد. آنروز که این کشور ها بتوانند جای شایسته خود را کسب کنند قادر خواهند بود اراده صلحجویانه و ترقیخواهانه خود را بسود خلقها و بسود سوسیالیسم بهتر

بقیه در صفحه ۵

بقیه از صفحه ٤

بیماری چپ روی و چپ نمائی در بین نیروهای اپوزیسیون

پیش ببرند . این عمل آنها کاملا در منفعت خلقها و مبارزهٔ آنهاست .

این سیاست که مشخصات آنرا بیان داشته‌ایم جنگ سرد را نه فقط نگاه نمیدارد بلکه آنرا محکوم بزوال میکند و امپریالیسم را در وضع دشواری قرار میدهد زیرا اگر آنرا بپذیرد ، شرایط انفراد تدریجی خویش را فراهم آورده‌است . اگر در مقابل آن مقاومت عنودانه ورزد ، چهرهٔ خود را نه فقط در مقابل قشرهای محروم بلکه حتی در برابر همه طبقاتی که اینجا و آنجا در سیاست امپریالیستی جنگ سرد ذینفع نیستند افشا میکند و باز هم خود را منفرد میسازد . این سیاستی است هم انسانی و هم خردمندانه ، هم واقع بینانه هم انقلابی . تمام روش اتحاد شوروی و دیگر کشور های سوسیالیستی را از آنجمله در مورد میهن ما ایران باید در این مقطع فهمید . البته اگر در ایران امکان تحول انقلابی قوی بود ، وضع میتوانست رنگ دیگری بخود گیرد . ولی گناه کیست که سازمانهای تحول طلب در ایران تا امروز نه فقط متحد نیستند بلکه متفرق تر از همیشه اند ، به روش هماهنگ و مدبرانه ای مجهز نیستند و بطور عمده به محافل بحث و ستیز در خارج از کشور مبدل شده اند و هیئت حاکمه ایران بر عکس توانسته است با استفاده از اشتباهات و غفلتهای گذشته و نابسامانی های کنونی مخالفین خود ، موقتاً بر اوضاع مسلط شود و سیاستی کارا تر از مخالفین خود بسود بقاء خویش در صحنه ایران و جهان درپیش گیرد ؟ ما نباید منتظر باشیم که برای انقلاب کشور ما کسانی دایگی و پرستاری کنند و یا آنکه کشور های سوسیالیستی در این صحنه بغرنج سیاست جهانی که هر روز آن آبستن واقعه نامنتظره ایست دست روی دست گذارند و به بحث و ستیز پایان ناپذیر ما گوش فرا دهند و چشم براه کرامات ومعجزات ما بنشینند و عجالتاً ایران را تا ظهور قائم موعود به تاخت وتاز ویغما و تاراج امپریالیسم رها سازند .

تحلیل چپ‌روها ازوضع ایران‌نیز نادرست است.

دعوت بقیام مسلح و جنگ پارتیزانی در شرایط فقدان محمل هـای عینی و ذهنی صاف و ساده یـك دعـوت توخالی و ماجراجویانه است . تردیدی نیست کـه هر انقلابی آرزومند آنست که پرچم جوروستم را در ایران سرنگون بیند . آرزومند آنست که به‌بیند در ایـران نیز مـانند ویتنام قهرمان، مردم یـك تنه به‌نبرد بـا امپریالیسم و ارتجاع برخاسته‌اند ولی از آرزو تا واقعیت فاصله فراوانی است . انقلاب اجتماعی را بشیوه لوئی بلانکی تنها بکمك زیرکی و جانبازی چند پیشاهنگ نمیتوان تحقق بخشید. قوانین انقلاب اجتماعی همانست که لنین آنها را روشن کرده است و ما بارها گفته‌ایم و اینك تکرار میکنیم :

۱ ـ باید شرایط عینی انقلاب فراهم باشد یعنی هیئت حاکمه نتواند بشیوه سابق امور را اداره کند و مردم نخواهند بشیوه سابق برآنها حکومت شود و عزم مردم برای سرنگون کردن بساط هیئت حاکمه واقدام باین امر جزم باشد . در ایران ناخرسندی شدید مردم از رژیم وجود دارد ولی ناخرسندی شدید هنوز بمعنای بحران انقلابی نیست. بااطمینان میتوان گفت درشرایط کنونی در ایران وضع انقلابی وجود نـدارد . تردیدی نیست که وضع برهمین منوال نخواهد ماند . تناقضات رژیم عمیقتر خواهد شد ومسلماً بحرانهای رژیم درآینده روی خواهد داد . ولی در عین حال نباید فراموش کرد که هیئت حاکمه ایـران اینك از همیشه برای مقابله با بحران مجرب‌تر است و لذا کار انقلابیون در آینده دشوارتر از گذشته است . بااینحال اگر بهنگام وقوع بحرانهای سیاسی و اقتصادی و اجتماعی سازمـان مجهز و با نفوذ انقلابیون وجود داشته باشد میتوان برای پیروزی انقلاب دورنمائی روشن دید . عامل عینی بدون عامل ذهنی نمیتواند خود بخود به انقلاب منجر گردد .

۲ ـ لـذا بـایـد شرط ذهنی انقلاب نیز فراهم باشد یعنی سازمان نیرومند و باانضباط و با نفوذی از انقلابیون وجود داشته باشد که بتواند توده‌ها را بدنبال خود بکشد . ضعف سازمان طبقه کارگر و تفرقه در نیرو های تحول طلب در اینجا نیز وضع رضایت بخشی بوجود نیاورده است .

در مقابل این نظر لنین ، تئوری دیگری مطرح میشود که بهیچوجه نو نیست و مارکس و انگلس در قرن نوزدهم تحت عنوان بلانکیسم با یك نوع آن مبارزه کرده‌اند ، حاکی از آنکه وضع انقلابی بمعنای گذشته ضرور نیست . شرایط جهان و ایران برای انقلاب عالی است . جسور ترین انقلابیون باید هم اکنون دست بکار شوند وبه ایجاد واحدهای پارتیزانی دست زنند . تشکیل واحد های پارتیزانی خود بخود وضع انقلابی پدید میآورد . حزب طبقه کارگر هم باید ازداخل همین واحدها پدید آید. لذا باید بیدرنگ دست بتفنگ برد .

ما به صحت اصولی این نظر و بویژه ثمربخشی آن در شرایط مشخص کنونی اجتماعی کشورخودمان باور نداریم وحق نداریم براساس چیزی که آنرا درست نمیدانیم ، عمل کنیم . آنهائی کـه بآن باور دارند بیایند و در عمل خطای فکر ما و صحت برآورد و دید خود را ثابت کنند ! کدام ایرانی انقلابی است که ازپیروزی آرمانهای سوسیالیستی در ایران بجان شادمان نشود. ماترجیح میدهیم درایران زنجیر استعمار واستبداد بگسلد، بدست هر که میخواهد بـاشد . ما در اینجا خود خواهی شخصی و سازمانی نداریم . ولی وظیفه هم نداریم مردم را براهی فرا خوانیم که آنرا حادثه‌جویانه و بی سرانجام و غلط میدانیم . مسئولیت این نظریات و اجراء آن با آنها که آنرا « آخرین کلام » تئوری میشمرند .

از آنجا که چپ‌روها تنها سرنگون کردن رژیم و جنگ پارتیزانی را بعنوان تنها شعار مبرم پیش میکشند ناچار کوچکترین توجهی به‌مبارزات تاکتیکی ندارند وبرایشان تحلیل وضع کنکرت ایران ، اقدامات رژیم ، ماهیت طبقاتی رژیم ، رابطه رژیم با امپریالیسم، تناقضات داخلی رژیم و غیره و غیره علی‌السویه است . و از آنجا کـه ما بـر عکس آنها بـرای اجـرای شعار استراتژیك در حال حاضر محمل های ضرور را فراهم نمی‌بینیم بناچار توجه خود را بمسائل مبرم و تاکتیکی و تحلیل های کنکرت معطوف میداریم . بدون آنکه حتی لمحه‌ای هدف استراتژیك وغائی خود را از نظر دور داریم . از همین جا دوبرخورد بکلی متضاد پدید میشود . کوشش ما برای تحلیل مشخص وضع ایران و اقـدامـات رژیـم بـا گفتار هـای شعار مانند و تهییجی چپ روهـا کـه مخصوص آستانـه انقلابـات است فـرق اساسی یـافته و بیش از پیش خـواهـد یـافت. دو راه از هم بشکل روشن جدا میشود . زندگی نشان خواهد داد که کدام یك از این دو برخورد واقعی و لذا حقیقتاً انقلابی است . زیرا انقلابی بودن بـه ادعا کاری و لفاظی نیست . انقلابی کسی است که واقعا بتواند اندیشه و سازمان انقلابی را در مسیر تاریخ بـه پیش ببرد وبرای اینکار بقوانین گاه باید بشیوه انقلابی و گاه بشیوه های عادی عمل کند ، گـاه تعرض کند سختی کند، گاه نرمش ، گاه شعار حد اکثر را بمیان کشد، گاه شعار حد اقل ، گاه در کادر وضع موجود عمل نماید گاه که شرایط را فراهم دید این کادر را بشکند .

نتیجه

چپ‌روی و چپ‌نمائی در نیرو هـای اپوزیسیون غیر توده‌ای علاوه برعامل اجتماعی آن ، دارای برخی علل سیاسی بسیار مهم است . مـائوئیسم بعنوان ایدئولوژی ناسیونالیستی و هژمونیستی پکن شعارهای چپ‌را وسیله خوبی برای جلب مردم محروم و عطشان رهائی میداند و برای تبلیغ این نظریات تلاش عظیمی بکار میبرد . امپریالیسم و سازمان جاسوسی « سیا » حاضر است حتی آن « کمونیسمی » را که ضد شوروی و ضد حزب اصلی کمونیستی کشور معین باشد بعنوان « پلاتفرم » بی‌ضرر قبول کند و به مبلغین چنین « کمونیسمی » ازهر باره کمك رساند . سازمان امنیت ایران نیز همین مشی را دنبال میکند . لذا نه فقط منشاء اجتماعی چپ‌روها قابل جذب بودن شعار های تند و تیز ولی تهی از واقعیت ، گسترش چپ‌روی‌را تسهیل میکند بلکه چنین کارگردانان نیرومندی نیز در پس صحنه ایستاده‌اند . با توجه باین عامل است که باید گفت ما فقط با چپ‌روها روبرو نیستیم بلکه با چپ‌نمایانی نیز روبرو هستیم که سخنان چپ بـرای آنها وسیله کار است و خود بـه آنها باور نـدارند . بهمین جهت است که فریادهای حزب ما برای وحدت و داشتن مشی واقع بینانه همانند آن‌مردی است که در بیابان فریاد میکشید. این‌یك وضع بسیار نگرانی آور است . کشاندن نیرو های تحول طلب ایران به گرداب ضد شوروی، ضد توده‌ای، انقلابیگری کاذب، خدمت دانسته یا ندانسته بـه امپریالیسم و سازمان امنیت و دشمنان انقلاب ایران است . جا دارد که همه کسانیکه دراین اشتباه بدون اندك غرض وبانیت پاك شرکت جسته‌اند بخود آیند ، بجنبند و حساب خود را از « کارگردانان مرموز » جدا سازند . حزب ما با همه مشکلات موجود بدون فتور وبدون خستگی کماکان به تلاش مقدس و ضرور خود برای اتحاد و تجمع نیروها ادامه خواهد داد و مطمئن است که اصل تجمع نیرو های تحول طلب اصلی است که اگر در راه آن پیگیرانه و با شیوه صحیح مبارزه شود پیروز خواهد شد . مسئولیت شکست و ناکامی نهضت در این شرایط تماماً متوجه کسانی است که باروش فکری و عملی خود درراه تحقق این تجمع نیروها کار شکنی میکنند .

در عین حال باید هشیار بود که مبارزه بر علیه چپ‌روی از موضع واقعی انقلابی صورت گیرد نه از موضع اپورتونیسم راست و تسلیم طلبی . باید برحذر بود که دفاع از صلح و سیاست همزیستی مسالمت‌آمیز و مسابقه مسالمت آمیز دو سیستم بهیچوجه نبرد علیه امپریالیسم و استعمار و استعمار نوین و سرمایه داری و حمایت محکم و همه جانبه از جنبشهای رهائی بخش و انقلابی را در سایه نگذارد و یا تضعیف نکند و نیز دفاع از بسط مناسبات ایران و کشور های سوسیالیستی و ارزیابی واقع بینانه اقدامات رژیم و تکیه بر روی شعار های مبرم تاکتیکی ضرورت مبارزه پیگیر علیه رژیم ضد ملی ضد دموکراتیك و استبدادی شاه وافشاء و انتقاد از آنرا تضعیف نکند . تنها یك خط مشی واقعاً انقلابی وحقیقتاً واقع بینانه قادراست بسیج کننده و شورانگیز باشد . ماجراجوئی و تسلیم طلبی هر دو مایه زوال حزب و نهضت است .

پیش از ختم این مقال این نکته‌را نیز تصریح کنیم که حزب ما مدعی آن نیست که خود در خط مشی خود از اشتباه و برآورد نادرست مبری بوده است ویا اکنون مبری است. اصل برای یك حزب عبارتست از تلاش صادقـانـه بـرای درك واقعیت و تنظیم مشی صحیح والا اشتباه برای حزبی که می‌اندیشد ومی‌رزمد ناگزیر است . حزب ما نیز در تحلیل‌ها و استنباط های خود و مبارزه خویش دچار ارزیابی ها و گرایشهای نادرست شده است ولی حزب توده ایران میکوشد تا تئوری مارکسیسم ـ لنینیسم را برشرایط مشخص کشور ما بشکل علمی و خلاق انطباق دهد و از این تلاش خود دمبدم نتیجه های دقیق‌تر و موثق تری گیرد . حزب اطمینان دارد که پلاتفرم واقعاً انقلابی ، عملی و سنجیده وی میتواند بر هنمود صحیح مبارزه بر ضد استعمار واستبداد مبدل گردد وبرچپ‌روی و راست‌روی در نهضت پیروز شود .

شماره دوازدهم «شعله جنوب» ارگـان تشکیلات خوزستان حزب توده ایران منتشر شد

سرمقاله این شماره به روز اول ماه مه جنبش کارگران‌سراسرجهان اختصاص‌یافته ودرآن پس‌ازاشاره به مبارزات کارگران و زحمتکشان ایران در دورانهای مختلف و فداکاریها و جانبازیها و محرومیتهائی که این طبقه بخاطر نیل به آرمانهای انقلابی خود تحمل کرده است گفته میشود : طبقه کارگر ایران در طول نبرد آشتی ناپذیر خود پیروزیهائی بدست آورده و شکستها خورده ولی هرگز پرچم مبارزه را برزمین نگذاشته است . . . . در میان مبارزات قهرمانانه کارگران ایران کارگران و زحمتکشان خوزستان سهم بسزائی داشته‌اند . هنوز اعتصابات و مبارزات افتخار آمیز سالهای ۱۳۰۷ و ۱۳۰۸ و ۱۳۱۰ و ۱۳۲۵ و ۲۹ و ۳۰ که توام با فداکاری و قربانیهای فراوان بوده از خاطره‌ها زدوده نگردیده . در مقاله از کارگران دعوت شده است که ضمن برگزاری جشن اول ماه مه ـ مسائل وخواستهای خودرا مطرح سازند، همبستگی و سوگند های خود را تجدید کنند و بسوی وحدت گام بردارند .

روزنامه بمناسبت فوت آقای دکتر مصدق نامه تسلیت تشکیلات جنوب ـ حزب توده ایران را همراه با مقاله‌ای تحت عنوان « مصدق رهبر ملی و دشمن استعمارگران » درج کرده است درمقاله پس از اشاره بـه شخصیت آقای دکتر محمدمصدق ومبارزات پیگیر او علیه استعمار گفته شده است : « دکتر مصدق در حصاری از سرنیزه‌ها و مأمورین سازمان امنیت جان سپرد و در آخرین لحظات حیاتش نیز از یك روز آزاد ساختن او وحشت داشتند . . . باو اجازه داده نشد که بخارج برود و یا حتی پزشکی جهت مداوای او دعوت کنند . . . پس از مرگ او نیز از ابراز همدردی مردم و درج آگهی های تسلیت درجراید جلوگیری کردند مقاله چنین پایان یافته است : « اینك که مصدق در میان ما نیست وظیفه همه آزادیخواهان و نیرو های ملی و مترقی است که دست از تفرقه برداشته در یك جبهه واحد ملی گرد آیند » مقاله دیگر روزنامه تحت عنوان « ارمغان شاه بخوزستان » است که روزنامه به اطلاع خوانندگان خود میرساند که چگونه سازمان امنیت و دیگر دستگاههای پلیس قبل از ورود شاه مردم را مورد آزار و اذیت قرار دادند و عده‌ای را در آبادان و شهر های دیگر دستگیر کردند ، با تحریك مستقیم سازمان امنیت عشیره های مخالف هم را بجان هم انداختند ودرنتیجه ۳۰ نفر کشته شدند، ۵۰ نفررا دستگیر کردند و ۸۰ نفر را روانه زندان نمودند ، با آنکه کوشش میشد صدای اعتراض کارگران بلند نشود و چندین نفر را بهمین علت دستگیر کردند ولی کارگران باین نوع صحنه سازیها که در سالهای اخیر باب شده بود اعتراض میکنند و خشم و بیزاری خود را نشان میدهند .

شماره اخیر شعله جنوب مانند همیشه حاوی اخباری از زندگی و مبارزات زحمتکشان جنوب است، این اخبار نشان میدهد که در شرایطی که هیچ نوع آزادی برای تشکل و مبارزه وجود ندارد وکوچکترین صدای اعتراض با خشونت سرکوب میشود ، چگونه کارگران و زحمتکشان برای تأمین مطالبات خود از راههای گوناگون مبارزه استفاده میکنند . شعله جنوب دردهای کارگران و زحمتکشان جنوب را در صفحات خود بازگو میکند و تلاش آنان را برای گرفتن حقوق خود منعکس میسازد و راه تشکل و مبارزه را بآنها میآموزد . ما موفقیت ناشرین شعله جنوب را صمیمانه آرزو میکنیم و بآنها رفیقانه درود میفرستیم .

بقیه از صفحه ۶

انقلاب کبیر سوسیالیستی اکتبر - تحول بنیادی در سیاست جهانی

عمده دوران ، یعنی تضاد بین کار و سرمایه ، تضاد بین پرولتاریا و بورژوازی گسترش یافت ومناسبات بین دولتها را در بر گرفت . بدینترتیب تضاد و مبارزه بین دو سیستم سرمایه داری و سوسیالیسم به محور سیاست جهان مبدل شد و قانون اساسی دوران نوین را تشکیل داد .

دولت شوروی بر پایه تحلیل علمی وضع مشخص جهان و محاسبه دقیق تناسب قوا در مقابل سیاست تجاوزکارانه امپریالیسم ، سیاست همزیستی مسالمت آمیز و مسابقه مسالمت آمیز اقتصادی دولت های دارای رژیمهای اقتصادی و اجتماعی گوناگون را قرار داد .

سیاست صلح اتحاد شوروی ناشی از طبیعت تولید سوسیالیستی ، ناشی از طبیعت رژیم اجتماعی و سیاسی کشور است که بهره کشی انسان از انسان و خلق از خلق را ملغی ساخته و با تجاوز وکشور گشائی منافات دارد . همین امر است که سیاست خارجی اتحاد شوروی را در نقطه مقابل سیاست خارجی دولتهای امپریالیستی قرار میدهد .

انعقاد قراردادهای مربوط باستقرار روابط عادی دیپلماتیک و اقتصادی با کشور های سرمایه داری (سالهای ۱۹۲۴ - ۱۹۲۵) ، مبارزه علیه تشکیل جبهه واحد ضد شوروی (سالهای ۱۹۲۵ - ۱۹۳۲) ، مبارزه برای ایجاد سیستم امنیت جمعی (سالهای ۱۹۳۳ - ۱۹۳۹) مهمترین مراحل دیپلماسی شوروی را در دوران قبل از دومین جنگ جهانی تشکیل میدهد . در نتیجه اجراء پیگیرانه اصل لنینی همزیستی مسالمت آمیز دولت شوروی موفق شد برای کار زحمتکشان شوروی شرایط خارجی مساعدی فراهم سازد ، اقتصاد ملی را که در نتیجه جنگهای داخلی از هم پاشیده بود احیاء کند، سیاست لنینی صنعتی کردن کشور و کلکتیویزاسیون کشاورزی را که به پیروزی سوسیالیسم منجر شد اجرا نماید . تردیدی نیست که بدون این مقدمات شکست دادن تجاوز کاران فاشیست در جنگ دوم جهانی تصور ناپذیر بود .

از هنگامیکه اردو های هیتلری راهزنانه به اتحاد شوروی حمله بردند تا پایان دومین جنگ جهانی سیاست خارجی دولت شوروی در جهت تحکیم و توسعه اتحاد ضد فاشیستی و تسریع شکست دولتهای فاشیست بود . موضع محکم و اصولی دولت شوروی طی کنفرانس های تاریخی تهران (۱۹۴۳) ، یالتا (۱۹۴۵) ، پتسدام (۱۹۴۵) موجبات خاتمه پیروزمندانه جنگ را فراهم ساخت و بطور عمده مسیر حیات بین المللی دنیای پس از جنگ را مشخص نمود .

در نتیجه شکست دولتهای فاشیستی تحولات انقلابی شگرفی نخست در کشورهای اروپای شرقی سپس در آسیا و بالاخره در کوبا انجام گرفت سوسیالیسم به سیستم جهانی مبدل گردید ، جنبش کارگری در کشور های سرمایه داری رونق یافت و نهضت ضد استعماری در کشور های مستعمره و وابسته اوج گرفت . در نتیجه این تحولات بویژه در اثر تشکیل جامعه کشور های سوسیالیستی که بیشك بارز ترین رویداد دورانساز پس از جنگ است تناسب نیروها درعرصه جهان بسود سوسیالیسم تغییریافت. اینك در مبارزه بخاطر صلح، دمکراسی و علیه سیاست تجاوز کارانه امپریالیسم ، اتحاد شوروی تنها نیست بلکه در این امر حیاتی کشور های سوسیالیستی دیگر با دولت شوروی همگامند .

تجربه نشان میدهد که در مبارزه علیه امپریالیسم که هنوز بایجاد جنگ جهانی سوم امید بسته است همبستگی و وحدت کشور های سوسیالیستی اهمیت اساسی دارد. بدین‌سبب تقویت‌دوستی و همکاری برادرانه بین همه کشورهای سوسیالیستی یکی از ارکان اساسی سیاست کنونی دولت اتحاد شوروی بشمار میآید .

اتحاد برادرانه با مردم کشور های درحال رشد یکی از اصول بنیادی سیاست خارجی حزب کمونیست و دولت شوروی را تشکیل میدهد . حزب کمونیست اتحاد شوروی کمك به مللی را که درراه احراز و تقویت استقلال ملی به پیش‌میروند و کمك بتمام ملل مبارز در راه محو کامل سیستم استعمار را وظیفه انترناسیونالیستی خود میشمرد . این اصل لنینی که در برنامهٔ حزب کمونیست شوروی قید شده است در زمینه مناسبات با کشور های رشد یابنده همواره راهنمای سیاست خارجی اتحاد شوروی بوده است . دولت شوروی نخستین دولت معظم بود که با کشور های وابستهٔ چین ، افغانستان ، ایران و ترکیه بر اساس برابری و مراعات کامل استقلال این کشور ها در نخستین سالهای پس از انقلاب اکتبر پیمانهائی منعقد کرد. کمکهای دولت جوان شوروی بمردم کشور های ترکیه و افغانستان در مبارزه استقلال طلبانه آنان امکان داد تا در مقابل فشار امپریالیسم مقاومت ورزند . در دوران پس از جنگ دوم جهانی کمك اتحاد شوروی به کشور های نواستقلال و در راه رشد موارد فراوانی دارد که شمارش همه آنها در این مقاله نمیگنجد . سیاست پشتیبانی از کشور های رشد یابنده باشکال گوناگون تظاهر میکند ، پشتیبانی دیپلماتیك ، کمك اقتصادی ، مبادلات فرهنگی و تربیت کادر های ملی ، کمك نظامی و در شرایط معین ابراز آمادگی برای کمك‌مستقیم نظامی وجوه گوناگون پشتیبانی اتحاد شوروی از کشور های رشد یابنده را تشکیل میدهد . عمل و فعالیت دولت شوروی در صحنه جهانی خلقها را به نیروی خویش مطمئن ساخته افسانهٔ قدر قدرتی امپریالیسم را نقش بر آب کرده است . اکنون دیگر برای همه معلوم است که وجود اتحاد شوروی حتی‌هم‌اگر کشور رشد یابنده بآن روابطی برقرار نکرده باشد برای این کشور در مقابل امپریالیسم تکیه‌گاه مطمئنی بشمار میرود و بطور عینی استقلال کشور را تحکیم میکند . اکنون دیگر امپریالیستها نمیتوانند در اقدامات خود علیه کشور های آسیا ، افریقا و امریکای لاتین موضع اتحاد شوروی را بحساب نیاورند .

اگر بخواهیم بیلان مجملی ازحوادث سالهای پس از جنگ تنظیم کنیم در همان حال که تشکیل جامعه کشور های سوسیالیستی ، کامیابیهای انکار ناپذیر دیپلماسی سوسیالیستی و رونق بیسابقه جنبش آزادیبخش ملی را در نظر میگیریم نمیتوانیم پیدایش سلاح اتمی و هسته‌ای‌را که در دست امپریالیستها وسیله امحاء دسته جمعی توده های مردم و تمدن ملتهاست از نظر دور داریم و تأثیر آنرا درسیاست بین‌المللی بحساب نیاوریم . با توجه به مجموعه‌این عوامل است که اتحاد شوروی بخاطر حفظ صلح جهانی و بر طرف کردن خطر جنگ هسته ای پیگیرانه تلاش میکند .

در شرایط کنونی هدف سیاست خارجی اتحاد شوروی این است که ساختمان سوسیالیسم و کمونیسم را در شرایط صلح تأمین کند ، وحدت، دوستی و برادری کشورهای سوسیالیستی را تقویت نماید ، از جنبشهای رهائی بخش ملی پشتیبانی کند، همبستگی و همکاری با کشور های مستقل آسیا ، افریقا ، امریکای لاتین را گسترش دهد . اصول همزیستی مسالمت آمیز با کشور های سرمایه داری را تثبیت نماید و بشریت را از خطر جنگ جهانسوز هسته ای رهائی بخشد .

همه اقدامات اتحاد شوروی درصحنهٔ جهان، خصلت فعال دیپلماسی شوروی ، وفاداری آن به اصول، پیگیری‌آن در برخورد‌خلاق بمسائل‌مهم‌زمان حاضر و نرمش در عمل همه و همه برای آنست که ساختمان کمونیسم با موفقیت سرانجام یابد ، زیرا موفقیت در این امر پشتوانه عمده اعتبارعظیم و اثربخشی سیاست خارجی اتحاد شوروی درصحنه جهانیست .

اینك نیمقرن است که اتحاد شوروی پیگیرانه سلح و دوستی بین خلقها را محور سیاست خارجی خود قرار داده است . این سیاست بشهادت‌تاریخ نتایج درخشانی ببار آورده است . ایدئولوژی مارکسیستی - لنینیستی ، بشر دوستی سوسیالیستی ، کامیابی روز افزون دموکراسی سوسیالیستی ، افکار صلح و دوستی بین خلقها که ارکان سیاست خارجی دولت شوروی را تشکیل میدهد توجه و علاقه روز افزون توده های مردم را در سراسر جهان جلب‌میکند وموجبات تحکیم همه نیروهای ترقیخواه را فراهم میسازد و زمینه مساعد تری برای کامیابی هر چه بیشتر مبارزه آنان در راه تحقق بهترین آرمانهای توده ها بوجود میآورد .

بقیه از صفحه ۱

پیام کمیته مرکزی حزب توده ایران بمناسبت اول ماه مه

از پیش جبهه صلح و دموکراسی و سوسیالیسم خواهد شد . از هر طریق که میتوانید به مجاهدان استقلال طلب و آزادی پرست ویتنام کمك مادی و معنوی برسانید !

کارگران و زحمتکشان ایران !

مسئله مرکزی درمبارزات مردم درشرایط کنونی مبارزه در راه دموکراسی یعنی مبارزه در راه آزادی احزاب وسندیکاها ومطبوعات و انتخابات ، عفو عمومی کلیه محکومین سیاسی ، تأمین بازگشت آزادانه کلیه پناهندگان سیاسی به میهن است . در صورت وجود این آزادیها مردم ایران میتوانند اراده خود را جلوه‌گر سازند و جامعه را با آهنگ سرعت کافی بطرف جلو ببرند . مبارزه درراه دموکراسی یك‌مبارزه عمومی مردم است و طبقه کارگر باید در این مبارزه عمومی مردم نقش شایسته خویشرا ایفاء کند .

کارگران و زحمتکشان ایران !

یکی از توصیه های دائمی حزب ما آنستکه کارگران در سندیکا های موجود شرکت جویند و بکوشند تااین سندیکاهارا بحربه جدی مبارزات صنفی مبدل نمایند. باید مبارزه کرد تا درداخل این‌سندیکاها رسم انتخابات آزاد و حقیقی عملی گردد و نمایندگان حقیقی کارگران بررأس سندیکاها وشوراهای کارگری جای گیرند و تمایلات و خواست واقعی کارگران را منعکس سازند ، در عین حال کارگران با استفاده از شرایط خواهند کوشید تا سندیکا های خود را هر جا که چنین سازمانی وجود ندارد ایجاد کنند . وظیفه آگاه ترین افراد کارگر آنست که شیوه‌ها و اشکال صحیح کار سندیکائی را بیابند و ازهمه امکانات قانونی و علنی برای بسط مبارزات صنفی و مطالباتی استفاده کنند . باید در راه تجمع سندیکاها وایجاد فدراسیونها و کنفدراسیونهای کارگری مبارزه کرد تا زندگی سندیکائی بتدریج جا و اهمیت و قدرت در خورد خود را درجامعه ما کسب نماید .

کارگران و زحمتکشان ایران !

در راه حقوق حقه صنفی و کارگری خود مبارزه کنید . اصلاح و اجراء قانون کار و سازمان بیمه های اجتماعی و تعمیم آنرا با شرکت مستقیم نمایندگان منتخب کارگران و کارگاهها و کارخانه های سراسر کشور بخواهید و در راه صنعتی شدن کشور و بسط تولید داخلی مبارزه نمائید . برای تعیین حداقل دستمزد با توجه بشاخص هزینه زندگی ، برای شناختن کامل و عملی حق اعتصاب که سلاح مؤثر طبقه کارگر است، برای پائین آوردن واقعی ساعات کار تا حدودی که در قانون کار و قوانین بین‌المللی ذکر شده است ، برای اجراء قانون مرخصی سالانه و تعطیلات با استفاده از حقوق مبارزه کنید . جنبش همبستگی را برای دفاع از حقوق هم صنفان و بیکاران بسط دهید و با اخراجهای فردی وجمعی کارگران مبارزه نمائید . در مبارزه مقدس مردم علیه استعمار واستبداد شرکت جوئید و به‌مبارزان از هر باره یاری رسانید .

پیروزباد نبرد مقدس کارگران ایران !
زنده باد حزب توده ایران -
حزب طبقه کارگر ایران !
فرخنده‌باد جشن اول ماه مه - جشن همبستگی کارگران جهان !

کمیته مرکزی حزب توده ایران

این پیام درتاریخ ۱ مه ۱۹۶۷ (۱۱ اردیبهشت ۱۳۴۶) از رادیو پیك ایران پخش گردید .

در باره اعدامهای اخیر

بدنبال تیر باران بهمن بهادری قشقائی ، رژیم شاه در ماههای اخیر دست باعدامهای تازه‌ای زده است . در اوائل اسفند ماه سال گذشته ، ناگهان خبر اعدام ۵ نفر غیر نظامی از عشایرجنوب باتهام «شرارت و آدمکشی» و دو نفر درجه دار ژاندارم باتهام «عدم اجرای تکالیف و وظائف قانونی» در روزنامه های عصر انتشار یافت. همراه با اعدام شدگان ، ۱۵ نفر درجه دار ژاندارمری نیز هرکدام به ده سال حبس موقت با اعمال شاقه محکوم شدند .

یکماه بعد یعنی روز ۲۴ فروردین طبق خبر روزنامه اطلاعات امیر علی رضائی باتهام قتل دو تن از مالکین فارس اعدام شد .

موج اعدامهای اخیر که همه از طبع مستبد رژیم و احکام ظالمانه دارگاههای فرمایشی نظامی برمیخیزد مورد اعتراض شدید مردم ایران است . رعایت حد اقل موازین حقوق بشری حکم میکند که به هر «متهمی» امکان داده شود در دادگاه علنی حضور یابد ، دلائل اتهام وی در معرض‌افکار عمومی قرار گیرد و حق داشته باشد که آزادانه از خود دفاع کند . سپردن سرنوشت مردم بدست دادگاههای در بسته‌ای که گردانندگان آن وظیفه‌ای جز اجرای اوامر مافوق و «محکوم ساختن متهم» برای خود نمیشناسند بمعنای وحشت از قضاوت مردم است که از خصائص حکومتهائی است که با مردم پیوندی ندارند . رژیم شاه باید سرانجام بیندیشد که تا کی میتوان عدم رضایت مردم را با گلوله و حبس پاسخ داد .

بقیه از صفحه ۱

روشی که بزیان جنبش دانشجویان ایرانیست

سازمان دانشجویان دانشگاه تهران ، که هدفی جز حفظ حیثیت جنبش دانشجویان ایرانی در بزرگترین مجمع بین‌المللی ، مصالح عالیه این جنبش و اتحاد نیرو های مختلف در این جنبش نداشت - توجهی نکردند و یکی از مواد اصلی طرح قطعنامه خود را درباره ایران به « محکوم کردن » اتحاد شوروی و سایر کشور های سوسیالیستی اختصاص دادند .

طبق نظامنامه کنگره برای طرح و پیشنهاد یك قطعنامه ، صرفنظر از پیشنهاد دهنده ، حداقل یك عضو دیگر اتحادیه بین المللی باید از قطعنامه پشتیبانی کند . نمایندگان کنفدراسیون نخست کوشیدند موافقت عده‌ای از نمایندگان کشور های آسیائی ، افریقائی و امریکای لاتین را برای امضای این قطعنامه جلب کنند . ولی این کوشش باشکست مواجه شد ، زیرا حتی یك هیئت نمایندگی ازاین سه قاره حاضر به امضاء این قطعنامه ، که جنبه ضد شوروی آن آشکار بود ، نشد . بناچار هیئت نمایندگی کنفدراسیون به کشور های اروپائی رو آورد . ولی از این کشور ها هم فقط یك هیئت نمایندگی ، یعنی هیئت نمایندگی فرانسه، که روش ضد شوروی آن در تمام طول کنگره آشکار بود ، حاضر به امضاء این قطعنامه شد .

هنگام طرح قطعنامه نمایندگان سازمان دانشجویان دانشگاه تهران اجازه صحبت خواستند . ولی نمایندگان کنفدراسیون با روشی خشن و ببهانه اینکه گویا دیگر این نمایندگان حق صحبت ندارند ، از صحبت آنها جلوگیری کردند .

نمایندگان کنفدراسیون در پاسخ اظهارات مستدل و منطقی نمایندگان اتحاد شوروی و لهستان در مورد روابط ایران با کشور های سوسیالیستی ، به ایراد نطق پر از اتهام و دشنام بر ضد کشورهای سوسیالیستی دست زدند .

سر انجام رای گرفته شد و پیشنهاد اتحاد شوروی برای اصلاح قطعنامه تصویب گردید . مخالفان فقط نمایندگان کنفدراسیون و فرانسه ، یعنی طراحان اصلی قطعنامه بودند . در این موقع نمایندگان کنفدراسیون تمام قطعنامه را پس گرفتند .

ضربه ای که به اعتبار و حیثیت جنبش دانشجویان ایرانی وارد آمد

هنگامی که عضویت کنفدراسیون در اتحادیه تصویب شد ، نماینده کنفدراسیون گفت که ماسنت سازمان دانشجویان دانشگاه تهران (توسو) را ادامه خواهیم داد . ولی متاسفانه مدت زیادی نگذشت که آشکارا و بطرز خشنی این سنت زیر پا گذاشته شد . سنت «توسو» این بود که در مجامع دانشجوئی بویژه در مسائلی که مورد اختلاف است از روش دمکراتیك بحث و اتخاذ تصمیم پیروی کند . ولی جلوگیری از صحبت نمایندگان «توسو» درباره قطعنامه ایران، یعنی کسانیکه بیش از ۱۵ سال از نهضت دانشجویان ایرانی با صداقت ، فداکاری و پیگیری دفاع کرده‌اند آنهم در مسئله‌ای که در نهضت دانشجویان ایرانی مورد اختلاف جدی است و با آن خشونت ، بهر دلیل وبهانه ای که باشد حکایت از نقض اصول دمکراتیك میکند . مسئله عضویت کنفدراسیون که حل شده بود، پس چه اتفاقی میافتاد اگر نمایندگان « توسو » در این باره صحبت میکردند ؟ این روش غیر دمکراتیك و غیر دوستانه این فکر را بوجود نمیاورد که نمایندگان کنفدراسیون باك داشتند ؟ باك داشتند که موضع ضعیف آنها با صحبت نمایندگان « توسو » باز هم ضعیف تر شود ؟

سنت « توسو » این بود که با همه نهضت های مترقی دانشجوئی و قبل از همه و بیش از همه با دانشجویان کشور های سوسیالیستی بهترین روابط دوستانه را داشته باشد . نمایندگان کنفدراسیون با پیشنهاد « محکوم کردن » کشور های سوسیالیستی به این مناسبت لطمه زدند و بجای آنکه با کشور های سوسیالیستی در یك صف بر ضد امپریالیسم دشمن مشترك همه خلقها قرار گیرند ، در مقابل آنها ایستادند .

سنت « توسو » این بود که با کوشش و فعالیت خود بتواند پشتیبانی و همبستگی جنبش دانشجویان جهان را از مبارزه عادلانه مردم و دانشجویان ایران در راه استقلال ، آزادی و عدالت جلب کند . نمایندگان کنفدراسیون با طرح قطعنامه خود برضد کشور های سوسیالیستی نخستین نشانه تردید را در

بقیه از صفحه ۱

کودتای مونارکو فاشیستی در یونان

نشانه رشد جنبش ملی و آزادیخواهانه خلق یونان بود که پس از پایان جنگهای داخلی بار دیگر سرراست میکرد و به‌پیش میرفت از همانموقع دستگاه جاسوسی امریکا (سیا) و فرماندهی ناتو در جنوب خاوری اروپا کنستانتین شاه یونان و حزب ارتجاعی راست به تنظیم نقشه توطئه‌ای دست زدند و به تهیه مقدمات کودتای نظامی پرداختند . اعلام تجدید انتخابات در ۲۸ ماه مه ۱۹۶۷ که نوید پیروزی قطعی ترقی و پیشرفت را برارتجاع میداد اجرای کودتای نظامی را در برنامه روز توطئه‌گران قرارداد و ارتش بعنوان آخرین وسیله باقوه قهریه دست بکار شد . بعنیست در اینجا بوضع ارتش یونان که جزئی از نیروی نظامی سازمان آتلانتیك شمالی است اشاره کنیم ارتش یونان مرکب از ۱۶۰۰۰۰ نفر است که باید تعداد ۲۰۰۰۰ نفر نیروی مرزبانی را بدان افزود . این ارتش بعلاوه ژاندارمری و پلیس میراث تکامل یافته ارتشی است که بکمك نیرو های انگلیس در جنگهای داخلی جنبش مسلح ملی خلق یونان را پس از شکست فاشیسم سرکوب کرد وپایه تخت سلطنت را بردوش ملت یونان استوار نمود. وینستون چرچیل بملت احتیاجی که برای سرکوب جنبش ملی به افسران یونانی همکار هیتلر داشت، مانع از آن شد که ارتش و سازمانهای تأمینی یونان از عناصر فاشیستی تصفیه گردد . این عناصر بجای خود ماندند و اینك مواضع حساسی را در ارتش یونان در دست دارند . بدین ترتیب کودتای یونان ، کودتائی منارکو فاشیستی است که همراه با امپریالیسم علیه خلق یونان انجام گرفته است .

اقدامات حکومت مونارکو فاشیستی

حکومت کودتا که بررأس آن دادستان دیوان کشور بعنوان وسیله استتار وزرای نظامی قرار گرفته پس از معرفی بشاه و اجرای مراسم ، سوگند ، تمام ارگانهای دموکراتیك را از پارلمان گرفته تاسازمانهای احزاب و روزنامه های ملی و سندیکا های کارگری منحل کرده ، به تصفیه دامنه داری در ارتش وسازمان های انتظامی پرداخته وبااعلام حکومت نظامی درسراسر کشور هر گونه اجتماعی را ممنوع کرده است. عوامل کودتا هم اکنون مشغول جمع آوری و یا بهتر بگوئیم جعل سند علیه شخصیت های سیاسی زندانی از جمله آقای پاپاندرئو هستند و مقدمات یکسلسله محاکمات وبدنبال آنهاارتکاب جنایاتی‌را فراهم‌میکنند. سخنگوی رسمی این دولت دراولین مصاحبه خود باروزنامه‌نگاران اظهار داشته که چون بمناسبت انتخابات پاپاندرئو اعلام میتینگ و تظاهراتی را کرده بود که مخل نظم میشد و اوضاع را برهم میزد لذا برای پیشگیری از هر پیش آمدی اقدام و دخالت ارتش ضرور بود . پس از چند روز محافل کودتا مدعی شدند که عناصر چپ قصد قیام و انقلاب داشته‌اند و حکومت به اسنادی دست یافته که آنها را منتشر خواهد کرد . طبق آخرین اخبار ، حکومت کودتا پسر پاپاندرئو را به‌خیانت علیه مصالح عالیه کشور (!) متهم و بدادگاه نظامی جلب کرده است . حکومت کودتا در اعلامیه های رسمی میگوید که چپ و راست و میانه وجود ندارد ، تمام مردم یونان ، یونانی هستند واحزاب مختلف اصلا معنی و مفهومی ندارد و بدین ترتیب وجود طبقات و احزاب را نفی می کند . حکومت کودتا اعلام داشته است که قانون اساسی را تغییر خواهد داد و باتمام این احوال مدعی است که دموکراسی دریونان باقی خواهد ماند . طی اعلامیه ای هر نوع سازمانی که متعلق بجوانان باشد منحل است زیرا بعقیده کودتاچیان جوانان نباید در سیاست دخالت کنند ! از جهات بسیاری کودتای یونان شبیه به کودتای ۲۸ مرداد کشور ماست. عوامل کودتا تقریباً همانهائی هستند که حکومت دکتر مصدق را ساقط کردند : ارتجاع ، امپریالیسم و شاه بکمك ارتش . پاپاندرئو که اینك زندانی شده است نظیر آقای دکتر مصدق دارای شخصیت برجسته ای است که آنرا در نتیجه مبارزه علیه حزب دست راست و اقدامات ارتجاعی حکومتهای یونان بدست آورده است .

واکنش شدید سازمانها ، کشورها و مردم دموکرات

کودتای مونارکو فاشیستی در یونان واکنش شدید ووسیعی را درتمام جهان برانگیخت . تظاهرات وسیعی در تمام کشور های اروپا علیه کودتا واقدامات ضد انسانی آن انجام گرفت. دراین تظاهرات یونانیان خارج از کشور ، کمونیست ها سوسیالیست‌ها و حتی دموکراتهای مسیحی وبسیاری ازنویسندگان وهنرمندان و شخصیت‌های علمی و فرهنگی شرکت جستند جلسه

بین عده زیادی از نمایندگان کنگره اتحادیه ، درباره ماهیت جنبش دانشجوئی در ایران بوجود آوردند .

نتیجه چه شد ؟

همه اینها این نتیجه را ببار آورد که اولا برای نخستین بار در کنگره اتحادیه بین المللی دانشجویان قطعنامه‌ای درباره ایران صادر نشد . یعنی همبستگی بزرگترین سازمان دانشجوئی در جهان با مردم و دانشجویان ایران در کنگره آن اعلام نگردید . و کسانیکه که گویا قهرمان مبارزه با شاه و امپریالیسم اند چون نتوانستند از کنگره سند «محکومیت» کشور های سوسیالیستی را بگیرند به آسانی از محکوم ساختن شاه و امپریالیسم صرفنظر کردند . ثانیاً مناسبات دوستانه جنبش دانشجویان ایرانی با جنبش دانشجویان در کشور های سوسیالیستی و بسیاری دیگر ازسازمان های مترقی دانشجوئی خدشه دار شد . ثالثاً مجموعه روش نمایندگان کنفدراسیون در همان آغاز عضویت در اتحادیه ، اثر نامطلوبی در نمایندگان کنگره باقی گذاشت و به حیثیت و اعتبار جنبش دانشجویان ایرانی لطمه وارد ساخت . رابعاً ، این نتیجه‌ای است که نمایندگان کنفدراسیون کمتر از همه انتظار داشتند و میباید برای هرفرد با حسن نیت و واقع بین عبرت انگیز باشد ، معلوم شد که سیاست ضد شوروی محکوم به شکست است و اتخاذ و ادامه این سیاست سرانجام به انفراد کامل مجریان آن منجر خواهد شد .

سیاست ضد شوروی به زیان جنبش دانشجوئی است

«تجربه جدیدی» که از کنگره نهم اتحادیه بین المللی دانشجویان بدست آمد آشکارا نشان داد که سیاست ضد شوروی که از طرف گروهی ، آگاهانه یا نا آگاهانه در جنبش دانشجویان ایرانی تعقیب میشود تا چه حد زیان آور است .

معلوم نیست کسانیکه تمام کار های مهم و اساسی را در سازمان های دانشجویان ایرانی کنار گذاشته‌اند و تنها نقشه و هدفشان اینستکه در هر جلسه ، در هر سمینار و در هر کنگره حد اقل یك نطق ضد شوروی ایراد شود و یا یك قطعنامه ضد شوروی بتصویب برسد چه فکر میکنند ؟ مگر نه اینستکه سیاست ضد شوروی در جهت سیاست امپریالیستها و در رأس آنها امپریالیستهای امریکائی است که بوسیله سازمانهای جاسوسی خود ، حتی با قبول حمله بخود ، برای اینکار پول هم میدهند ؟ مگر نه اینستکه سیاست ضد شوروی به تشدید اختلاف در جنبش دانشجوئی بین نیرو های مختلف منجر شده‌است؟ مگرنه اینستکه‌سیاست ضد شوروی جنبش دانشجویان ایرانی را از پشتیبانی و همبستگی سازمانهای مترقی دانشجوئی محروم میسازد ؟ پس چرا باز هم گروهی باخصومت وفعالیت بیسابقه‌ای در این راه گام برمیدارند ؟

سئوالی که در برابر همه دانشجویان و همه نیرو های ملی و دمکراتیك قرار گرفته همین است. ما معتقدیم که اکثریت این کسان دچار گمراهی ناشی از چپ روی شده‌اند . بهمین جهت است که با خونسردی وحوصله عواقب این روش را گوشزد میکنیم و بهمه کسانیکه دارای حسن نیت هستند هشدار میدهیم که نگذارند بنام جنبش دانشجویان ایرانی سیاستی دنبال شود که زیان آن قبل از همه و مستقیماً به جنبش دانشجویان ایرانی وارد میگردد . ولی تکامل حوادث نشان میدهد که متاسفانه کسانی هم آگاهانه و تحت شعار های چپ روانه و چپ نما این سیاست زیان بخش را در پیش گرفته‌اند .

نتیجه اینکه مبارزه بر ضد این سیاست زیان بخش بهمان اندازه که لازم است بقرنج نیز هست . در همانحال ما اطمینان داریم که در جنبش دانشجویان ایرانی به اندازه کافی نیرو هست تا بتواند بر این گمراهی ها و کج رویها غلبه کند و سنت درخشان جنبش دانشجویان ایرانی را که یکی از ارکان آن دوستی با سازمانهای دانشجوئی کشور های سوسیالیستی و قبل از همه با همسایه بزرگ ما اتحاد شوروی است ، ادامه دهد .

م . انوشه

احزاب کمونیستی و کارگری اروپا که در کارلووی‌واری در چکسلواکی برای مسئله امنیت اروپا جمع شده بودند نسبت بمردم یونان ابراز همدردی و نسبت به کودتاچیان اعتراض شدید کرد . در اتحاد جماهیر شوروی و دیگر کشور های سوسیالیستی تظاهرات وسیعی علیه کودتاچیان با ابراز همدردی بمردم یونان بعمل آمد. سازمانهای کارگری فرانسه، انجمن بین‌المللی حقوقدانان دموکرات ، حزب لیبرال انگلستان ، دانشجویان و یونانیان خارج از کشور درتمام کشورهای اروپائی کودتا را محکوم و باشکال مختلف همدردی خود را نسبت بمردم یونان ابراز داشتند . در کپنهاك، در سوئد ، در هلند ، در ترکیه ، در جمهوری متحده عرب جرائد و محافل سیاسی کودتا را محکوم کردند و صدها تلگرام اعتراض به کنستانتین شاه یونان مخابره گردید . در یك کلام در اروپا از شرق تاغرب کودتای نظامی محکوم شد . مبارزه برای نجات جان قهرمان ملی یونان مانولیس گله‌زوس بشدت آغاز گردیده و ادامه دارد . در کشور های خارج از قاره اروپا نیز کودتای یونان واکنش شدیدی علیه امپریالیسم امریکا و حکومت کودتا و شاه یونان بوجود آورد . این حس همدردی وسیع که تمام جهان را در برگرفته و سیلی از نفرت و انزجار بجانب امپریالیست های امریکائی و حکومت مونارکو فاشیستی روانه کرده ، رشد نیرو های مترقی و همبستگی آنها را در حال حاضر نشان میدهد . تأثیر این جنبش جهانی آنقدر نیرومند است که حکومت کودتا و شاه یونان را در بن بست قرار داده است . باین دلیل است که شاه یونان برای حفظ موقعیت خود اعلام داشته که دموکراسی بار دیگر در یونان برقرار خواهد شد (!) ولی همه میدانند که این وعده‌ها جز ریاکاری و عوامفریبی چیز دیگری نیست. خفه کردن دموکراسی وسپس وعده دموکراسی دادن متد کلاسیك و کهنه‌ایست که مکرر از جانب ارتجاع ، امپریالیسم و شاهان دست نشانده آنها بکار رفته است . مردم یونان دارای سنت کهن دموکراسی هستند و بدان خو گرفته‌اند . آنها را نمیتوان فریفت. مسلم است که مبارزه مردم یونان برای احیای دمکراسی، ترقی و پیشرفت اقتصادی و اجتماعی و علیه توطئه ضد ملی امپریالیسم امریکا باشدت وحدت بیشتری ادامه خواهد یافت وبیاری جنبش نیرومند دفاع ازمردم یونان که بطرز بیسابقه‌ای در جهان بوجود آمده دیر یا زود به نتیجه خواهد رسید. حزب ما و مردم ایران که طعم تلخ این نوع توطئه‌ها را چشیده و هم اکنون نیز از هرگونه آزادی محروم‌اند همدردی صمیمانه خود را با خلق یونان ابراز میدارد . ما از تمام سازمانهای مترقی ملی و مبارزان راه آزادی درخواست میکنیم که با ارسال نامه‌های اعتراض بشاه یونان وحکومت کودتا و در هر جا که ممکن باشد با شرکت در تظاهرات ضد کودتای یونان همبستگی خود را بخلق یونان نشان دهند . ارتجاع و امپریالیسم بخصوص امپریالیسم امریکا در مقابل رشد سریع نیرو های مترقی جهان در حال عقب نشینی برای نجات خویش هر جا که بتوانند بحمله متقابله بابکار بردن وحشی‌ترین متدها میپردازند. باید باین تجاوزات با بانگ متحد اعتراض جواب داد و این حمله‌ها را در هم شکست .

زنده‌باد مبارزه مردم یونان برای آزادی ودموکراسی و استقلال ملی !

نابودباد ارتجاع ، امپریالیسم امریکا و شاه یونان !

ا . گویا

بقیه از صفحه ۲

توسعه روابط اقتصادی ایران با کشور های سوسیالیستی

کشور های سوسیالیستی همیشه آماده توسعه روابط بازرگانی و همکاری اقتصادی با ایران بوده اند. لذا اگر دامنه این روابط هنوز در قیاس با امکانات واقعی بسیار محدود است و در نتیجه آن انحصارات امپریالیستی، همچنان تسلط خود را بر شئون حیاتی اقتصادی ایران حفظ کرده اند گناه آن و مسئولیت عظیم آن فقط و فقط بگردن زمامداران کنونی ایران است که حفظ پیوند با انحصارات غارتگر و محافل امپریالیستی امریکا و انگلیس‌را برمصالح حیاتی مردم ایران مرجح میشمارند .

مصالح حیاتی ایران برقراری روابط اقتصادی و بازرگانی مبتنی بر برابری حقوق و رعایت منافع متقابل با کلیه کشور های سرمایه داری را ایجاب میکند .

پ . پیکار

بهار زندان

بوی گل میآید از آواز مرغان بهاری ،
خیز زندانیان خدا را
روزنی بگشا بصحرا ،
تا پرم سوی افق ها چون عقاب کوهساری .
ای پرستو ،
از چه بر دیوار زندان لانه کردی ؟
وه که با پرواز آزادت مرا دیوانه کردی . . .
با چنین تاریکی روزان و تنهائی شبها ،
با چنین چشم انتظاری ،
ای پرستو — پیك صحراهای روشن ،
کی بکام ما برآید گل بگلشن ؟

ژاله

ژانویه ۱۹۶۷

پیوند مشت ها و دل ها

(خطابی به رزمندگان یونان)

پیوند ما با شما لشکرکشانی نیستند که گاه معبد «آرگ» و گاه کاخ «آپادانا» را فروسوختند . پیوند ما با شما زرنشت است که راز آتش را به هراکلیت آموخت ، ارسطو است که ارغنون خرد را به ابن سینا داد و همرو فردوسی که سرایندگان حماسهٔ عشق و قهرمانیند. «آکروپلیس» و «پرسوپلیس» هزاران سال است خموش ایستاده اند و در گرد آنها فاجعه ما و شما میگذرد .

چه بسیار چیز ها در وطن شما و وطن ما ، در جنبش شما و جنبش ما همانند است : دیروز با شما در بردگی با بردگی میرزمیدیم و امروز شما — نخستین آموزگاران دموکراسی و منطق و ما پرشورترین منادیان مهر و دوستی با یاران دسیسه و استبداد دست بگریبانیم .

گلزوس شما و روزبه ما ، پاپاندره ئوی شما و مصدق ما ، دربار شما و دربار ما — آری همکاری گلوله ها و سرودهاست و همگامی صفوف انبوه شهیدان !

و ما با شما نه تنها در عذاب وطن ، بلکه در اندوه غربت نیز شریکیم .

هماهنگی ما در طنین تاریخ اندك نیست ، از گذشتهٔ دور دست تا اکنون فرادست .

و این پیوندی است مقدس : پیوند مشتها و دلها !

ا. س.

پاسخ کمیته مرکزی

حزب کمونیست فرانسه

به پیام حزب توده ایران

به کمیته مرکزی حزب توده ایران

رفقای عزیز !

از پیام محبت آمیزی که حزب شما بمناسبت توفیق حزب ما ، همراه با پیشرفت عمومی نیروهای چپ در انتخابات پارلمانی که در تاریخ ۵ و ۱۲ مارس انجام گرفت فرستاده است صمیمانه تشکر میکنیم

پیام شما برای حزب ما و تمام مبارزان ، تشویقی در مبارزه متحد آنها برای دموکراسی واقعی، ترقی اجتماعی ، استقلال ملی و صلح بود .

ما در عین حال به پیام شما بمنزله گواه جدیدی در روابط برادرانه ای که احزاب ما را بر اساس اصل انترناسیونالیسم پرولتری بهم پیوند میدهد ، ارج میگذاریم .

رفقای عزیز ، سلامهای برادرانه مرا بپذیرید.

گاستون پلیسونیه

دبیر کمیته مرکزی حزب کمونیست فرانسه

بیش از ۲۰۰۰۰ نفر زندانی !

روزنامه اطلاعات در تاریخ ۲۴ فروردین امسال خبری بشرح زیر درج نمود : «بمناسبت برگزاری مراسم تاجگذاری شاهنشاه آریا مهر ، بیش از ۲۰۰۰۰ نفر زندانیان محکوم در سراسر کشور ، از مزایای عفوی که باین مناسبت اعطاء خواهد شد برخوردار خواهند شد و از مدت محکومیت کلیه زندانیان و مبلغ غرامتی که باید از جهت محکومیت بپردازند تا میزان یك چهارم کم خواهد شد .» اطلاعات میافزاید : «در حال حاضر بیش از ۲۰۰۰۰ نفر محکوم در زندانهای سراسر کشور زندانی هستند .»

انتشار این خبر از آنجهت شایان توجه بود که روزنامه نیمه رسمی اطلاعات صریحاً اعتراف کرده بود که تعداد زندانیان از بیست هزار هم متجاوز است . این خبر که ظاهراً از سانسور چند درجه ای بنحوی سالم بیرون جسته بود پس از انتشار موجب نارضایتی شد و عباس مسعودی با ژست «تصحیح اشتباه» و «ابراز تأسف» بمیدان آمد و کاسه و کوزه را بر سر بیچاره خبرنگار قضائی شکست . سه روز بعد اطلاعات با دستپاچگی نوشت : «طبق اطلاعی که بدست آورده ایم معلوم شد که خبرنگار ما متأسفانه این خبر را از منبع صحیح و موثقی بدست نیاورده و در کیفیت و رقم آن بخصوص دچار اشتباه شد و خبر اصولا بدینصورت صحیح نبوده است .» و برای آنکه دیگر خبرنگاری جرأت نکند اخبار صحیحی ازاین قبیل انتشار دهد خبرنگار قضائی اطلاعات طبق نوشته خود روزنامه «به خاطر قصور و اهمال و سهل انگاری مورد بازخواست قرار گرفت .»

یاد از شهیدان توده ای

روز ۲ اردیبهشت سال ۱۳۳۷ رفقا آرسن آوانسیان و هوشنگ پور رضوانی بفرمان شاه شربت شهادت نوشیدند . دو سال بعد یعنی روز ۱۴ اردیبهشت سال ۱۳۳۹ رفقا علی عظیم زاده ، خسرو جهانبان آذری ، جواد فروغی ، حسن زهتاب و ایوب کلانتری اعضاء وفادار حزب ما بگناه میهن پرستی تیرباران شدند . ما خاطرهٔ تابناك این رفقا درود میفرستیم و اطمینان داریم که این خونها عبث به زمین ریخته نشده ، دیر یا زود ملت ایران راه خود را بسوی آزادی و عدالت خواهد گشود .

بقیه از صفحه ۳

خصلت نیم بند اصلاحات ارضی و تشدید تضاد در روستای ایران

ولی سیمای واقعی روستای ایران حتی از خلال همین روزنامه های زیر سانسور هویداست .

شرکتهای تعاونی روستائی که باید نبض روستا را در دست داشته و مرشد و راهبر دهقانان در تمام مراحل تولید و توزیع و فروش باشند در بسیاری از دهات ایران تشکیل نشده اند و در هر جا هم که تشکیل شده اند بعلت عدم توجه دولت و فقدان کمکهای مادی و فنی نتوانسته اند جان بگیرند . چنین واحد های بیجانی قادر به ارشاد و کمك بدهقانان نیستند و در نتیجه تولید کشاورزی بدون هدف ، سردر گم و بیمار است . چند نمونه ذکر میکنیم :

سال ۱۳۴۴ تولید بیش ازحد پیاز و سیب‌زمینی و صیفی ، فروش آن را دچار اشکال کرد و در نتیجه هزاران تن محصول رنج یکساله دهقانان از بین رفت. این زیان هنگفت موجب شد که سال گذشته دهقانان اکثراً از کشت پیاز و سیب زمینی و صیفی خودداری کنند ، نتیجه آن شد که امسال بازار با کمبود محصول پیاز و سیب زمینی و گرانی نرخ آن مواجه گردید .

امسال مساعد بودن شرایط جوی تولید گندم را افزایش داد اما دولت بعلت آماده نبودن و فقدان سیلو از خرید غله کشاورزان خودداری نمود . در نتیجه بهای گندم بنحو بیسابقه ای تنزل یافت و بسیاری از دهقانان گندمکار زیان دیدند .

این ها چند نمونه از تولید بی نقشه و فقدان سازماندهی است که مسئولیت مستقیم آن متوجه دولت است . اگر مقدورات مالی دولت بجای آنکه به جیب مالکان سرازیر گردد ، روانه شرکتهای تعاونی روستائی میشد و با کمك همه جانبه مالی وفنی آنانرا به واحد های فعالی در ده تبدیل مینمود بتدریج این شرکتها میتوانستند وظایف خود را در زمینه های مختلف تولید و مصرف و بازاریابی انجام دهند و با کمك دهقانان و راهنمائی آنان از بروز چنین ضایعاتی در کشاورزی جلوگیری کنند . همین بی‌رمقی شرکتهای تعاونی و قلت تعداد آنها است که واسطه ها ، دلالها و سلف خرها همچنان بلای جان دهقانانند . در برخی از نواحی ایران دهقانان بر اثر خشکسالی مجبور به کوچ شده اند و در بعضی از نواحی دیگر بارندگی زیاد محصول غله دهقانان را بهدر داده است . محصول پنبه را کرم خاردار از بین برد و بوته های چای و مرکبات را که قرمز تهدید میکند . آفت زنگ محصول غله گرگان را نابود کرده است . علاوه برهمهٔ اینها فقدان راه و تجهیزات لازم ، همه ساله بخش مهمی از تولید کشاورزان ایران را از بین میبرد . وزیر کشاورزی خود اعتراف دارد که همه ساله ۴۵ در صد میوه و ۲۵ در صد سبزی و صیفی قبل از اینکه بدست مصرف کننده برسد فاسد شده و از بین میرود ، در عوض ارز میدهند و بساط میوه فروشی ها را با انواع میوه های وارداتی تزئین میکنند . دولت بجای آنکه برای حل این مشکلات اساسی روستا اقدام کند و به کمك دهقانان بشتابد سرگرم خوش خدمتی بمالکان است . پرداخت قسط زمین ، اجاره بهای سنگین ، حق السهم شرکتهای تعاونی ، بهره وام نفس دهقانان را بریده است در عوض دولت اراضی حاصلخیز وپهناور را در اختیار «داوطلبان» میگذارد ، وامهای چندمیلیون ریالی میدهد . بازرگانان ، مقاطعه کاران ، کارخانه‌داران و شرکتهای خارجی و غیره با به روستای ایران باز کرده‌اند و با استفاده از اعتبارات کلان دولت واستثمار زحمتکشان ده ثروت خویش را می‌افزایند . رژیم شاه که اینچنین در برابر این غارتگران گشاده دست است در برابر دهقانان مو از ماست میکشد . دهقانان مجبورند حتی در املاك مجهول المالك که شماره آنها بقول وزیر کشاورزی بیش از دو میلیون پلاك است اجاره بها بپردازند و دولت حاضر نیست لا اقل این نوع املاك را مجاناً بدهقانان واگذار کند . دولت مال‌الاجاره این قبیل املاك را جمع آوری میکند تا وقتی « متصرفین بلامعارض » یعنی زمین خواران غاصب بوی مراجعه کردند دو دستی تقدیم شان کند . آنوقت چنین رژیمی خود را حامی دهقانان میخواند و متوقع است که مردم باین دروغ بزرگ باور کنند . اگر نیمی ازعلاقه‌ای را که شاه و دولتهای وی به تأمین منافع مالکان و جلب رضایت آنان نشان داده اند به بهبود زندگی دهقانان ، زمیندار کردن آنان و رونق بخشیدن به واحد های دهقانی نشان داده بودند ، کشاورزی وضع بهتری داشت . تا زمانی که در روستای ایران بزرگ مالکی وجود دارد یعنی تا وقتی که اقلیتی ثروتمند بر میلیونها هکتار اراضی حاصلخیز کشور چنگ‌انداخته است وبنام اراضی مکانیزه، باغات ، عمران زمینهای بایر انحصار مالکیت زمین را بخود تخصیص داده است ، روستای ایران روی آرامش نخواهد دید . میلیونها دهقان بی زمین و کم زمین ، دهقانان اجاره دار ، باصطلاح سهامداران واحد های سهامی زراعی، دهقانانی که پول کلان بنام قیمت زمین میپردازند همچنان به مبارزه خود ادامه خواهند داد زیرا استثمار و بهره کشی با هر نقابی که ظاهر شود ، برای دهقانان ناشناخته نیست . راه صحیح حل تضاد های روستا واگذاری بلاعوض تمام زمینهای زراعتی بدهقانان، توسعه وتقویت همه جانبه شرکتهای تعاونی و تخصیص اعتبارات کافی برای تجهیز فنی و علمی کشاورزی و ایجاد شبکه های آبیاری و کمك و ارشاد دهقانان است، اعمال هرسیاستی جز این ، بزیان طبقات زحمتکش و بزیان مصالح کشور است .

مینو

نشریه «مسائل بین المللی»

شماره ۱ (۲۵) نشریه «مسائل بین المللی» انتشار یافت . این شماره حاوی مقالاتی است در باره مسائل انقلاب افریقا ، در باره نقش و اهمیت سوسیالیسم در مرحله کنونی، درباره تلفات متجاوزین امریکائی درویتنام. اخباری از جنبش جهانی کارگری و کمونیستی واعتصابات کارگری ، مارکسیسم و انقلاب علمی و فنی از مقالات علمی جالبی است که در این شماره درج شده است .

مطالعه این شماره‌را بخوانندگان توصیه میکنیم.

هموطنان عزیز ! رفقای حزبی !

به این آدرس در استکهلم (سوئد) با رادیو پیك ایران ، ماهنامه مردم ، مجله دنیا و مجله مسائل بین‌المللی مکاتبه کنید . نظریات ، انتقادات و پیشنهاد های خود را برای بهبود رادیو و مطبوعات و مجموعه فعالیت ما ارسال دارید .

P. B. 4176
Stockholm 4
Sweden